

## بررسی اهداف و زمینه‌های شکل‌گیری اتحاد ترکیه و رژیم صهیونیستی در دهه‌ی ۹۰ و تحولات بعد از آن

مجید اسکندری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۵/۱۲

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۶/۱۷

صفحات مقاله: ۲۶۵ - ۲۲۷

### چکیده

انعقاد پیمان امنیتی- نظامی ترکیه و اسرائیل در فوریه‌ی ۱۹۹۶ نقطه‌ی عطفی در همکاری‌های راهبردی دو کشور محسوب می‌شود. مفاد مندرج در این پیمان برای ترکیه قائل به اهداف سیاسی- اقتصادی و برای اسرائیل قائل به اهداف سیاسی- امنیتی است. از عوامل تکوین اتحاد ترکیه و اسرائیل، تبعات فروپاشی شوروی و اعمال برتری‌جویی و نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشد. در این راستا ترکیه در صدد برآمد تا با ایجاد جبهه‌ی تُرک در منطقه و تقویت همگرایی بین جمهوری‌های تُرک زبان منطقه، پا جا پای روسیه بگذارد، ولی از آنجا که این کشور با مشکلات ساختاری و محدودیت‌های اساسی مواجه بود، با سیاست‌های اسرائیل در منطقه که دارای پتانسیل‌های بالایی در فناوری کشاورزی، صنعتی و نظامی می‌باشد، همسو شده و حضور آن کشور را در منطقه مکمل فعالیت‌های خود قلمداد نمود. در نتیجه این دو کشور به سمت همکاری‌های گسترده‌ی نظامی، سیاسی و اقتصادی حرکت کردند و به جهت منافع مشترکی که در خصوص نفوذ در منطقه و مقابله با منافع قدرت‌های رقیب از جمله ایران و روسیه دارا بودند، به اتحاد با یکدیگر مبادرت ورزیدند. با وجود این، با روی کار آمدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، روند این روابط نسبت به دو دهه‌ی اخیر تغییر مهمی داشته و آن اینکه، مسأله‌ی فلسطین در شکل‌دهی روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی نقشی اساسی یافته است. اولین نشانه‌ی تنش در روابط دو کشور، در ناخشنودی ترکیه از اسرائیل پس از تجاوز این رژیم به نوار غزه در ژانویه سال ۲۰۰۹ در اجلاس جهانی داووس نمودار شد. در ادامه اقدام رژیم صهیونیستی در حمله به کشتی حامل کمک‌های مردمی به غزه، باعث بزرگ‌ترین اختلاف و تنش در روابط این رژیم با ترکیه در ماه‌های

۱ کارشناس ارشد علوم سیاسی و پژوهشگر دانشگاه آزاد اسلامی واحد (ایلام)

اخیر شده و حتی خوشبین‌ترین تحلیلگران را به این نتیجه رسانیده که روابط دو طرف چشم‌انداز چندان روشنی ندارد.

\* \* \* \* \*

## کلید واژگان

ترکیه، رژیم صهیونیستی، خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز، شراکت راهبردی، یارگیری سیاسی و اقتصادی، حزب عدالت و توسعه، بحران غزه، چشم‌انداز آینده.

## مقدمه

انعقاد پیمان امنیتی - نظامی ترکیه و اسرائیل در فوریه‌ی ۱۹۹۶ نقطه‌ی عطفی در همکاری‌های راهبردی دو کشور محسوب می‌شود که از اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است و به عبارت دیگر این پیمان اوج همکاری‌های راهبردی ترکیه و اسرائیل می‌باشد. هیچ‌گاه تفسیر روشنی از این پیمان از سوی دو طرف توافقنامه صورت نگرفت، ولی با توجه به بیانیه‌ها و اظهارات مقامات دو طرف تاحدودی می‌توان به ابعاد و ماهیت آن پی برد. مفاد مندرج در این پیمان برای ترکیه قائل به اهداف سیاسی و اقتصادی و برای اسرائیل قائل به اهداف سیاسی و امنیتی می‌باشد. این پیمان همزمان با اوجگیری اسلام‌گرایی و موفقیت‌های حزب رفاه به رهبری نجم‌الدین اربکان در انتخابات ترکیه منعقد گردید. وزارت جنگ اسرائیل در تاریخ ۱۸ مارس ۱۹۹۶ با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: «میان ترکیه و اسرائیل در زمینه‌ی انجام مانورها و تمرین‌های مشترک، تأسیس دانشکده امنیتی و برای گفتگوی استراتژیک میان دو کشور توافق حاصل شده است» (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ۲۴۶).

پیمان نظامی ترکیه و اسرائیل به نوشته‌ی برخی کارشناسان شامل مواردی از قبیل تدارک تسلیحات از سوی اسرائیل برای ترکیه، مانورهای دریایی در دریای مدیترانه با مشارکت آمریکا، تمرین‌های آموزشی نیروی هوایی اسرائیل در فضای هوایی وسیع منطقه آناتولی ترکیه، همکاری و مشارکت اطلاعاتی و آموزشی ضد تروریسم می‌باشد. به نوشته‌ی برخی منابع، بنیان پیمان نظامی ترکیه و اسرائیل توسط اسحاق رابین در سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ ریخته شد و در

نتیجه‌ی آن دو موافقتنامه در فوریه و آگوست ۱۹۹۶ بین اسرائیل و ترکیه امضا شد. موافقتنامه‌ی نخست در پی سفر ژنرال چویک‌بیر معاون رئیس ستاد ارتش ترکیه به اسرائیل به صورت محرمانه منعقد شد که به دلایل امنیتی به کمیته‌ی امور خارجی پارلمان ترکیه ارجاع نشد. مفاد پیمان آنکارا- تل‌آویو برای خیلی از دولت‌های جهان و مردم منطقه در حاله‌ای از ابهام قرار دارد و برای روشن‌تر شدن مفاد آن باید به اظهارات و بیانیه‌های مقامات رسمی دو طرف مراجعه کرد. وزیر خارجه وقت ترکیه در آوریل ۱۹۹۶ اظهار داشت که: «ترکیه برای حمله به سوریه نیازی به کمک اسرائیل ندارد و توافقنامه‌ی نظامی ترکیه و اسرائیل، معاهده‌ی دفاع مشترک نیست و نه سوریه و نه ایران را تهدید نمی‌کند، بلکه هدف آن کمک به اسرائیل برای تجهیز هواپیماهای اف-۴ فانتوم ترکیه و مبادله‌ی کارشناس در زمینه‌های نظامی است». سلیمان دمیرل رئیس‌جمهوری وقت ترکیه در ۲ ماه می ۱۹۹۶ درباره‌ی این توافقنامه گفت: «این توافقنامه جنبه‌ی آموزشی دارد و نه استراتژیک». مصطفی قالملی رئیس مجلس ترکیه در ۱۲ اکتبر ۱۹۹۶ در سفر به قاهره گفت: «توافقنامه‌ی ترکیه و اسرائیل از نوع هم‌پیمانی و دفاع مشترک نیست و تهدیدی علیه کشوری نیست، بلکه جنبه‌ی همکاری نظامی و آموزش دارد». هم‌چنین وزیر دفاع اسرائیل در ۱۸ مارس ۱۹۹۶ از توافق ترکیه و اسرائیل در زمینه انجام مانورها و تمرین‌های مشترک و تأسیس دانشکده‌ی امنیتی برای گفتگوی راهبردی بین دو طرف خبر داد. (Fuller, 2007 : 149)

این مقاله ضمن بررسی اهداف و زمینه‌های شکل‌گیری اتحاد راهبردی ترکیه و اسرائیل در دهه‌ی ۹۰ میلادی، به تحلیل سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه در قبال اسرائیل و اعراب، پس از روی کار آمدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه پرداخته و در نهایت چشم‌انداز آینده‌ی روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی را با توجه به تحولات اخیر (حمله اسرائیل به نوار غزه و کشتی مرمره آبی) مورد بررسی قرار می‌دهد.

مقاله‌ی پیش روی در پی پاسخ به این سؤال است که: «چه فاکتورهایی زمینه و بستر لازم را جهت شکل‌گیری اتحاد راهبردی ترکیه و اسرائیل در دهه‌ی ۹۰ میلادی فراهم آورد و هدف

دو کشور از انعقاد پیمان مذکور چه بود؟ هم‌چنین با توجه به تحولات اخیر، در چشم‌انداز آینده، روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی چه سیری را طی خواهد نمود؟»  
 فرضیه‌ی مقاله این است که: «تبعات فروپاشی شوروی و اعمال برتری‌جویی و نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز موجب تکوین اتحاد ترکیه و اسرائیل گردید. این پیمان راهبردی برای ترکیه قائل به اهداف سیاسی-اقتصادی و برای اسرائیل قائل به اهداف سیاسی-امنیتی بوده است.» هم‌چنین با توجه به تحولات اخیر این فرضیه تقویت می‌شود که عوامل محرک نزدیکی دو طرف به یکدیگر روز به روز در حال کمرنگ‌تر شدن هستند، هرچند این به معنای قطع رابطه یا خصومت میان دو طرف نیست، اما همه چیز حاکی از این است که دو کشور روابط حداقلی خود را حفظ خواهند کرد و محتوای آن به رفتار مقامات اسرائیلی بستگی خواهد داشت.

#### مفاد و محتوای پیمان راهبردی ترکیه و اسرائیل

برای روشن‌تر شدن زوایای پیمان راهبردی ترکیه و اسرائیل به برخی از مفاد و بندهای آشکار آن اشاره می‌شود:

##### ۱- همکاری‌های صنعتی- نظامی

از جمله طرح نوسازی ۵۴ فروند هواپیمای اف-۴ ترکیه از سوی اسرائیل به ارزش ۶۰۰ میلیون دلار، تجهیز و مدرنیزه کردن ۵۶ فروند هواپیمای F-5 ترکیه، بهینه‌سازی ۶۰۰ دستگاه تانک M60 و طرح تولید ۸۰۰ دستگاه تانک اسرائیلی مرکاوا، طرح مشترک تولید هواپیماهای شناسایی بدون خلبان و طرح مشترک تولید موشک‌های هوا به زمین «پاپ-آی»<sup>۱</sup> به ارزش نیم میلیارد دلار با برد ۱۵۰ کیلومتر که از پروژه‌های صنعتی- نظامی ترکیه و اسرائیل براساس پیمان راهبردی دو کشور می‌باشد. (Ruseckas, 2007: 168) به موجب این پیمان ترکیه یکی از بلندپروازانه‌ترین برنامه‌های مدرنیزاسیون نظامی را در جهان اعلام کرده که طی ۲۰ سال آینده باید حدود ۱۵۰ میلیارد دلار صرف خرید تسلیحات نماید و اسرائیل از دیدگاه ترکیه از

1- Pop-eye

کشورهای رده بالا در زمینه‌ی ساخت موشک، تانک و هواپیما به شمار می‌رود، این امر یکی از دلایل نزدیکی ترکیه به اسرائیل می‌باشد.

### ۲- پروازهای آموزشی-آزمایشی

این توافقنامه به دو کشور اجازه می‌دهد که سالی ۸ بار به اجرای پروازهای آموزشی-آزمایشی مبادرت ورزند. طبق این توافقنامه اجازه‌ی استفاده از حریم هوایی طرف مقابل و برپایی تمرین‌های مشترک به هر یک از دو طرف داده می‌شود و هم‌چنین به هواپیماهای اسرائیلی اجازه‌ی استفاده از دو پایگاه هوایی اینجریلیک و قونیه ترکیه را می‌دهد. ترکیه حوزه‌ی هوایی وسیعی را در اختیار اسرائیل می‌گذارد که به تمرین‌های هوانوردی دوربرد پرداخته و بر فراز سرزمین‌هایی که برای خلبانان اسرائیلی تازگی دارد، پرواز کرده و تجربه‌اندوزی کنند. چنین پروازهایی برای اسرائیل که عمق راهبردی ندارد ضروری است و چنانچه بخواهد حملات نفوذی به داخل عراق و یا تأسیسات موشکی و اتمی ایران داشته باشد، به این تمرینات نیازمند است. اسرائیل نیز دسترسی به تنها منطقه آتش‌باری را که برای آموزش جنگ‌های الکترونیکی و فنون ضدالکترونیک به کار می‌رود، در اختیار ترکیه قرار داده است.

### ۳- مانورهای دریایی مشترک با مشارکت آمریکا

در این توافقنامه اقدام دو کشور در جهت گشت‌زنی‌های مشترک دریایی به منظور جلوگیری از بروز اقدامات خصمانه در قسمت شرقی دریای مدیترانه، در راستای کامل کردن فعالیت ناوگان ششم در منطقه پیش‌بینی شده است که در همین رابطه در ژانویه‌ی ۱۹۹۸ نخستین مانور مشترک دریایی اسرائیل و ترکیه با همراهی آمریکا در سواحل نزدیک اسرائیل در دریای مدیترانه برگزار گردید که با شرکت دو کشتی از ترکیه، ۲ کشتی از اسرائیل و یک کشتی از نیروی دریایی آمریکا برگزار شد. وزارت جنگ اسرائیل در ۱۸ مارس ۱۹۹۶ با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: «میان ترکیه و اسرائیل در زمینه انجام مانورها و تمرین‌های مشترک و تأسیس دانشکده‌ی امنیتی برای گفتگوی استراتژیک بین دو کشور توافق حاصل شده است که سیاست اسرائیل افشای جزئیات آن نیست». (Cornell, 2008 : 94)

#### ۴- تبادل اطلاعات نظامی و امنیتی

از مفاد این توافقنامه می‌توان به برگزاری نشست‌های امنیتی به منظور گفتگوی راهبردی بین ترکیه و اسرائیل با هدف پیش‌بینی خطرات مشترکی که امنیت دو کشور را تهدید می‌کند، اشاره نمود. ترکیه و اسرائیل قصد دارند که با بهره‌گیری از راهکارهای مشترک با تهدیدات امنیتی مشترک دو کشور مقابله کنند. طبق این توافقنامه دامنه‌ی فعالیت‌های راهبردی میان دو کشور تا آنجا گسترش می‌یابد که فعالیت‌های جاسوسی و استقرار تجهیزات استراق سمع در ترکیه را به منظور کنترل هرگونه تحرک نظامی سوریه و ایران و جمع‌آوری اطلاعات مربوط به آن را نیز شامل می‌شود. تأسیس ایستگاه‌های استراق سمع در ترکیه، هر دو کشور را قادر می‌سازد که اطلاعات مربوط به جابجایی موشکی و شلیک آن در شمال سوریه، شمال و مرکز عراق و بخش‌هایی از ایران را به سادگی به دست آورند. (میر طاهر، ۱۳۸۷: ۹) به موازات افزایش همکاری نظامی ترکیه و اسرائیل از سال ۱۹۹۶ دو طرف گام‌های قابل توجهی نیز در زمینه‌ی توسعه‌ی اقتصادی برداشته‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- توافقنامه‌ی تجارت آزاد (مارس ۱۹۹۶) که به تصویب پارلمان‌های دو کشور رسید و براساس آن دو طرف برای کالاهای صادراتی متقابل معافیت‌های گمرکی را در نظر گرفتند. هم‌چنین براساس آن حجم مبادلات تجاری ترکیه و اسرائیل طی سه سال، سالانه تا دو میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. طبق آمار حجم مبادلات اقتصادی دو طرف در ۱۹۹۶، ۴۴۸ میلیون دلار بوده که ۱۹۶ میلیون دلار صادرات ترکیه به اسرائیل و ۲۵۲ میلیون دلار واردات ترکیه می‌باشد. با امضای این توافقنامه ترکیه کوشید که تجارت خود را با اسرائیل پیوند بزند و از قرارداد اتحاد گمرکی اسرائیل با اتحادیه اروپا استفاده کند.

۲- توافقنامه‌ی حمل و نقل زمینی که مشروط به صلح خاورمیانه بود، چون سوریه بین دو کشور قرار داشت. این توافقنامه از سوی دیوید لوی و چیلر وزیر امور خارجه وقت دو طرف در سال ۱۹۹۷ در ترکیه امضا شد.

۳- هم‌چنین در جریان سفر دیوید لوی در سال ۱۹۹۷ به ترکیه درباره چگونگی افزایش حجم سرمایه‌گذاری‌ها و طرح‌های مشترک دو طرف از راه فعال کردن کمیته‌ی اقتصادی

مشترک مذاکراتی به عمل آمد و در آنکارا با سرمایه‌داران و تجار معروف یهودی و ثروتمند ترکیه درباره‌ی این همکاری‌ها گفتگو شد. بنابراین، همکاری‌های اقتصادی در کنار گسترش همکاری‌های نظامی از شاخصه‌های اصلی روابط ترکیه و اسرائیل از نیمه دوم دهه‌ی ۱۹۹۰ می‌باشد و این همکاری‌ها از پایان جنگ سرد سیری صعودی داشته است. یکی از کارشناسان آمریکایی در این باره چنین می‌گوید: «این واقعیت که اسرائیل و ترکیه یعنی قدرتمندترین دولت‌ها از لحاظ اقتصادی و نظامی در منطقه به عنوان دو شریک به فعالیت و همکاری با یکدیگر می‌پردازند، تحول بسیار با اهمیتی محسوب می‌شود». (Veliev, 2007 : 83)

#### زمینه‌های شکل‌گیری و تکوین اتحاد راهبردی ترکیه و اسرائیل

جهت‌گیری اتحاد و ائتلاف یکی از نمونه‌های قدرت در روابط بین‌الملل می‌باشد که براساس آن دولت‌ها با توجه به محدودیت منابع داخلی سعی دارند که از امکانات و منابع دولت‌های دیگری که دارای اهداف و منافع مشترکی می‌باشند، برای نیل به اهداف خود استفاده کنند. اتحادها نوعاً می‌کوشند که بخش کوچکی از منافع کلی متعهدان را به سیاست‌ها و اقدامات مشترکی تبدیل کنند. در جهت‌گیری اتحاد و ائتلاف، دولت‌هایی که احساس می‌کنند بدون قبول برخی تعهدات و به ویژه تعهدات نظامی توانایی مقابله با تهدیدات خارجی و یا دفاع از منافع و تحقق اهداف سیاست خارجی خود را نخواهند داشت، از طریق اتحاد یا ائتلاف تعهداتی را در قبال یکدیگر می‌پذیرند. وجود منافع اقتصادی، ایدئولوژیک و امنیتی مشترک و دستیابی به نوعی بازدارندگی از دلایل قبول تعهدات از سوی دولت‌ها در صحنه‌ی سیاست بین‌الملل می‌باشد. (قوام، ۱۳۸۵: ۱۸۰) در واقع دولت‌ها برای تأمین منافع ملی سعی می‌کنند با تمرکز بر امکانات و با تمسک بر منافع مشترک، مواضع و موقعیت خویش را در مقابل سایر کشورهایی که دوست تلقی نمی‌شوند، تثبیت و تحکیم نمایند که هم‌پیمانی ترکیه و اسرائیل نمونه‌ای بارز از چنین تلاش‌هایی محسوب می‌شود. در روابط بین‌الملل منافع مشترک به منافی اطلاق می‌گردد که به تنهایی از سوی یک دولت تأمین نمی‌شود و تحقق آن در

سایه‌ی همکاری و برقراری ارتباط بین یک واحد سیاسی با واحد یا واحدهای سیاسی دیگر تأمین می‌شود. (روشندل، ۱۳۸۶: ۱۱۰)

به نظر والت، دولت‌های دارای نظام‌های سیاسی مشابه غالباً با یکدیگر متحد می‌شوند، ولی با تشدید تهدیدات، ماهیت ایدئولوژی به عنوان عاملی وحدت‌بخش کاهش می‌یابد. در واقع دولت‌ها در صورت مواجهه با یک چالش جدی و حیاتی احتمالاً در صفت‌بندی با یکدیگر چندان توجهی به اختلافات ایدئولوژیک نخواهد داشت و در چنین شرایطی منافع عملی بر ملاحظات ایدئولوژیک فائق خواهد آمد. (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۲: ۳۹۵) در خصوص نقش نیازهای داخلی در تشکیل اتحادها، نظریه موازنه‌ی همه‌جانبه که یک نظریه‌ی رئالیستی محسوب می‌شود، با اشاره به نقص نظریه‌های موازنه‌ی قوا و موازنه‌ی تهدید که عمدتاً منشأ تهدیدها را خارج از مرزهای یک دولت می‌دانند، علاوه بر تهدیدات خارجی به تهدیدهای درون دولت نیز توجه می‌کند. بنابراین، این نظریه به تهدیدهای داخلی و خارجی به ویژه در دولت‌های جهان سوم به عنوان منشأ اتحاد توجه می‌کند. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۵: ۹۳) در واقع کشورها برای تأمین منافع خود به طور سستی به یکی از دو سیاست «امنیت» یا «همکاری» تکیه می‌کنند و در نتیجه پیمان‌ها برای فراهم آوردن امنیت و رژیم‌های بین‌المللی به منظور ایجاد همکاری مورد استفاده قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، اتحادها اغلب به دلیل رفع منافع نیازهای ایدئولوژیک و امنیتی ایجاد می‌شوند. در صورتی که اتحادهایی را که در جهت رفع کمبودها و حمایت از منافع ایدئولوژیک می‌باشد در نظر نگیریم، اغلب اتحادهای میان کشورها صرفاً ناشی از ملاحظات امنیتی بوده است و به این دلیل آنچه در مورد یک اتحاد خیلی اهمیت دارد، قابل اعتماد بودن طرف اتحاد از لحاظ تعهداتی است که تقبل کرده است. (ملکوئه و رائو، ۱۳۷۸: ۱۸۵) به هر حال، بیشتر اتحادها در درجه‌ی نخست برای دفاع در برابر یک دشمن خارجی تشکیل شده‌اند. تصورات مشترک از خطرها و ایستارهای رایج در مورد ناامنی، احتمالاً متداول‌ترین منشأ تشکیل اتحادهای نظامی هستند. در واقع، ترس متقابل اغلب محکم‌ترین مبنای تشکیل یک اتحاد می‌باشد و این عامل یعنی ترس متقابل برای تشکیل یک اتحاد شرط لازم به شمار می‌رود. (هالستی، ۱۳۸۴: ۱۸۱)



نزدیکی ترکیه و اسرائیل به یکدیگر که از سال ۱۹۹۶ با انعقاد پیمان راهبردی میان دو کشور به اوج خود رسید، در راستای تقویت اتحادیه‌های منطقه‌ای از سوی دو کشور ارزیابی می‌شود. برخی نوع روابط دو کشور را «نزدیکی»<sup>۱</sup>، برخی «اتحاد»<sup>۲</sup> و برخی آن را «توافق»<sup>۳</sup> می‌دانند. در سال ۱۹۹۶ نتانیاهو استراتژی جدایی آشکار را اعلام کرد که به تغییر سیاست اسرائیل در برابر اعراب اشاره داشت و سخت‌گیری و سیاست تشدید در برابر فلسطینی‌ها و سوریه، همکاری با ترکیه و اردن و پی‌ریزی اساسی جدید برای روابط با آمریکا از اصول اولیه‌ی این استراتژی می‌باشد. (قویدل، ۱۳۸۷: ۲۲) ترکیه و اسرائیل دارای اشتراکات زیادی می‌باشند که در نزدیکی این دو کشور به یکدیگر همواره تأثیر داشته‌اند از جمله اینکه:

الف) هر دو کشور غیرعرب می‌باشند که توسط همسایگان عربی احاطه شده‌اند و هر دو کشور دارای حکومتی سکولار هستند. جهت‌گیری آنها عمدتاً غربی است و دارای روابط ویژه‌ای با آمریکا می‌باشند و هر دو کشور تمایل به نزدیکی هر چه بیشتر با اروپا را دارند.

ب) ترکیه و اسرائیل با معارضان و مخالفان در داخل مرزهای خود درگیر هستند و از نظر نظامی قدرت‌های متوسطی محسوب می‌شوند. هر دو کشور مدعی هستند که طالب یک منطقه‌ی با ثبات بوده و در قبال نیروهای به اصطلاح تندرو که در پی به دست گرفتن قدرت بوده و ممکن است آن دو کشور را مورد تجاوز قرار دهند و یا ثبات آنها را بر هم زنند، نگران می‌باشند. اسرائیل بیشترین نگرانی را از طرف ایران به عنوان تهدیدی در مفهوم راهبردی دارد و ترکیه هر چند که خواهان روابط اقتصادی و تجاری خوب با ایران است، با این حال ادعاهای مبنی بر دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای و موشک‌های دوربرد بالستیک به کمک روسیه که ایران را قادر به ساخت موشک‌های با برد بالا می‌سازد و اسرائیل و ترکیه را در تیررس آنها قرار می‌دهد، موجب شده است که ترکیه و اسرائیل در مورد مقاصد ایران ابراز نگرانی کرده و در تمام تماس‌های خود بر آن تأکید ورزند. (Tarock, 2007: 176)

- 
- 1- Approachment
  - 2- Alliance
  - 3- entente

ج) برای بررسی عمیق‌تر زمینه‌های همبستگی ترکیه و اسرائیل باید این نکته را در نظر داشت که دشمن‌تراشی و ایجاد وحشت از بیگانگان در قبال منافع و هدف‌های ملی، عموماً همبستگی و اتحاد ملی را تقویت می‌کند و افکار عمومی را متوجه منافع و مصالح عمومی کرده و باعث می‌شود که مردم و گروه‌ها اختلافات داخلی خود را موقتاً کنار بگذارند. (کازمی، ۱۳۸۳: ۱۶۷) به نظر می‌رسد که رفتار تنازعی ترکیه و تضاد سیاسی اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، بعد از جنگ سرد منطبق با این فرضیه باشد. چرا که بعد از فروپاشی شوروی اهمیت راهبردی ترکیه کاهش یافت و سه جریان عمده‌ی غربگرایی، پان‌ترکیسم و اسلام‌گرایی جامعه‌ی این کشور را با بحران هویت مواجه ساخت. از طرفی دیگر، عوامل سیاسی - اقتصادی از جمله تورم فزاینده، بدهی خارجی، درگیری با شورشیان کُرد و پیروزی احزاب اسلامی در انتخابات، ترکیه را با مشکلات فزاینده‌ی داخلی مواجه ساخته است. این کشور برای انحراف افکار عمومی و تخلیه‌ی تنش‌ها به محیط بین‌الملل به دنبال دشمن فرضی می‌گشت. در چارچوب این نظریه، ترکیه که ماهیت لائستی دارد و اغلب رهبران آن به‌خصوص نظامیان که در تصمیم‌گیری سیاسی نقش برجسته‌ای داشته و تفکرات سکولار دارند، بنیادگرایی اسلامی را هدف قرار داده و ایدئولوژی اسلامی را به عنوان آلترناتیو جدید، جایگزین ایدئولوژی کمونیستی کرده و اسلام‌گرایی را بزرگ‌ترین تهدید برای ترکیه و سایر کشورهای منطقه قلمداد کردند. اسرائیل نیز به منظور بازیابی اهمیت راهبرد خود برای غرب و آفرینش نقش جدیدی برای خود در منطقه پس از پایان جنگ سرد به طرح خطر هسته‌ای راهبردی ایران در منطقه و ضرورت مقابله با خطر فزاینده‌ی بنیادگرایی اسلامی پرداخت. آمریکا نیز که تسلط بر منابع انرژی منطقه، تأمین امنیت اسرائیل و فروش تسلیحات نظامی را جزء اولویت‌های راهبردی منطقه‌ای خود می‌داند و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران را در تضاد با اهداف و منافع خود قلمداد می‌نماید، در خلاء ایدئولوژی کمونیسم با بزرگ‌نمایی خطر اسلام‌گرایی افراطی، مشروعیت حضور خود را در منطقه توجیه می‌کند. (حسنی، ۱۳۸۶: ۴۵) به طور کلی در فقدان ایدئولوژی کمونیسم، سه کشور فوق در انتخاب اسلام به عنوان

آلترناتیوی برای کمونیسم به اشتراک نظر رسیدند و یکی از دلایل اتحاد راهبردی ترکیه و اسرائیل و حمایت آمریکا از آن، در این چارچوب قابل بحث و بررسی می‌باشد.

د) ترکیه و اسرائیل روابط نزدیکی با آمریکا دارند که به عنوان یک هم پیمان و منبع اصلی کمک‌های خارجی، تدارک تجهیزات نظامی و پشتیبانی سیاسی برای هر دو کشور محسوب می‌شود. توافقنامه‌ی ترکیه و اسرائیل با راهبرد آمریکا در منطقه هم‌خوانی داشت و به دلیل روابط مستحکم آمریکا با ترکیه و اسرائیل و حمایت‌های سیاسی و مالی آن کشور از این توافقنامه، برخی آمریکا را به منزله‌ی یکی از طرف‌های آن می‌شناسند. میان توافقنامه‌ی راهبردی آمریکا و اسرائیل در سال ۱۹۹۶ و توافقنامه‌ی نظامی ترکیه و اسرائیل و مناسبات واشنگتن با دو طرف ارتباط ویژه‌ای برقرار است. بر پایه توافقنامه‌ی راهبردی آمریکا با اسرائیل، واشنگتن موظف به تلاش جهت تأمین همه نیازهای دفاعی اسرائیل در چارچوب وضعیتی کاملاً مشابه با کشورهای عضو پیمان ناتو و کوشش در راستای ایجاد روابط نظامی مستحکم میان اسرائیل و سایر کشورهای عضو پیمان ناتو که ترکیه نیز یکی از اعضای آن است، می‌باشد. (Libert, 2007 : 29) از سوی دیگر، این پیمان در راستای راهبرد آمریکا در منطقه مبنی بر ایجاد یک «منظومه امنیتی» و سپردن آن به دست «امانتدار» است. این دست امانتدار، قدرت‌های هم‌پیمان آمریکا هم‌چون ترکیه و اسرائیل را شامل می‌شود که می‌توان در پاسداری از منافع حیاتی آمریکا در منطقه و در رویارویی «با کمان بحران‌ها» شامل عراق، ایران، سوریه، یمن، سودان و لیبی به آنان اعتماد کرد. در کل زمینه‌های شکل‌گیری پیمان ترکیه و اسرائیل را باید با توجه به فضای پس از جنگ سرد بررسی کرد که تحولات مهمی را در منطقه از جمله خلاً ایدئولوژی، خلاً قدرت، تغییر در ژئوپولتیک منطقه و استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را در پی داشت که این تحولات در همگرایی ترکیه و اسرائیل تأثیر داشتند. این دو کشور به دلیل کاهش نقش راهبردی خود برای غرب، پس از جنگ سرد در پی ایفای نقش جدیدی برای خود در چارچوب راهبردی منطقه‌ای و بین‌المللی آمریکا بودند که پیمان راهبردی این دو کشور در این راستا قابل ارزیابی می‌باشد.

## اهداف و منافع ترکیه و اسرائیل از اتحاد با یکدیگر

## ۱- اهداف و منافع مشترک دو کشور

## الف) تلاش برای بازیابی اهمیت راهبردی سابق پس از پایان جنگ سرد

ترکیه و اسرائیل در دوران جنگ سرد به عنوان عامل غرب در سد و مهار کمونیسم عمل می‌کردند و در این راستا با بزرگ‌نمایی خطر کمونیسم از کمک‌های غرب و نظام سرمایه‌داری برخوردار می‌شدند. اما در آغاز دهه‌ی ۱۹۹۰ ترکیه با یک رشته تحولات مهمی در سطح جهانی و منطقه‌ای مواجه گردید که تأثیر زیادی در سیاست خارجی این کشور بر جای گذاشت؛ اولاً افول قدرت بلوک شرق اهمیت استراتژیکی ترکیه را به شدت کاهش داد و ثانیاً تغییر موازنه‌ی امنیتی به ضرر ترکیه بود که تحقق عینی آن در قالب اشغال کویت توسط عراق آشکار شد. مفهوم مستقیم این تحولات بروز یک پارادوکس جدی در سیاست خارجی ترکیه بود؛ چرا که از یک طرف تحولات یاد شده به معنی افزایش هزینه‌ی سیاست خارجی ترکیه در منطقه بود و از طرف دیگر با خاتمه‌ی جنگ سرد، ترکیه دیگر حائز چنان جایگاه استراتژیکی نبود که بتواند کمک‌های خارجی را طبق روال گذشته دریافت نماید. براساس این واقعیات بود که ترکیه به رهبری اوزال در جنگ خلیج فارس سیاست سنتی خود مبنی بر عدم مداخله در مناقشات منطقه‌ای را کنار گذاشت تا بتواند از طریق شرکت در جبهه‌ی متحدین نقش نوینی را برای خود در منطقه ایفا نماید. (انصاری، ۱۳۸۵: ۶۹) از طرف دیگر پایان جنگ سرد، فروپاشی شوروی و آغاز روند صلح خاورمیانه و طرح پاره‌ای از مشکلات میان آمریکا و اسرائیل و از جمله برملا شدن فعالیت‌های جاسوسی اسرائیل در آمریکا سبب گردید تا برخی از تصمیم‌گیرندگان آمریکا درباره‌ی استمرار کمک‌های بلاعوض آمریکا به اسرائیل تردید کنند و سرسختی کابینه‌ی جورج بوش (پدر) در تصویب ده میلیارد دلار وام درخواستی اسرائیل در سال ۱۹۹۱، نشانگر کم‌رنگ شدن موقعیت اسرائیل پس از پایان جنگ سرد نزد مقامات آمریکایی است. در نتیجه مقامات اسرائیلی به منظور تعریف نقش جدیدی برای این کشور در منطقه به طرح هسته‌ای راهبردی ایران و ضرورت مقابله با خطر فزاینده‌ی بنیادگرایی اسلامی پرداختند و در جهت ارائه‌ی تعریف جدیدی از روابط راهبردی اسرائیل و آمریکا در

نظام نوین جهانی دست به تلاش‌های گسترده‌ای زدند. ترکیه نیز در جستجوی نقش جدیدی در چارچوب راهبرد منطقه‌ای آمریکا، با مطرح کردن خطر بنیادگرایی اسلامی برای امنیت منطقه، خود را جزیی از راهبرد ضد ایرانی قلمداد کرد و برای جلب حمایت نمایندگان کنگره‌ی آمریکا و لابی یهود با اسرائیل پیمان همکاری سیاسی - امنیتی منعقد نمود.

ب) مقابله با کشورهایی که ترکیه و اسرائیل آنها را تهدیدی علیه منافع خود قلمداد می‌کردند. در این راستا هر دو کشور البته به درجات مختلف خواهان اعمال فشار بر ایران بودند. ترکیه و ایران دارای اختلافاتی در سطح ایدئولوژیک و سیاسی هستند. مقامات ترکیه اتهاماتی را در سال‌های اخیر مبنی بر حمایت حکومت ایران از اسلام‌گرایان داخلی در ترکیه وارد کرده‌اند و این مسأله با قدرت گرفتن احزاب اسلام‌گرا در ترکیه، بیش از پیش مقامات لائیک ترکیه را نگران کرده است. (Pipes, 2006 : 31) هر دو کشور ترکیه و اسرائیل از تلاش ایران برای دستیابی به تسلیحات کشتار جمعی نگران می‌باشند. اسرائیل تلاش ایران در جهت توسعه‌ی سلاح‌های کشتار جمعی و دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای را عامل تهدید امنیت و موجودیت این رژیم می‌داند و به همین جهت وقتی که موشک‌های میان برد «شهاب» در اوت ۱۹۹۸ توسط ایران آزمایش شد، مقامات اسرائیل چالش‌های وسیعی را علیه آن به راه انداختند و آن را تهدیدی علیه اسرائیل قلمداد کردند. (Bulent, 2007 : 84) علاوه بر موارد مذکور ترکیه و ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز با یکدیگر رقابت دارند که عمده‌ترین آن تعیین مسیر انتقال انرژی از این منطقه بوده است. با توجه به اینکه ایران و ترکیه دو رقیب عمده در ابعاد مختلف منطقه‌ای به شمار می‌روند، بنابراین، هرگونه امکانی که موجب تضعیف موقعیت ایران در منطقه گردد، مطلوب ترکیه بوده و ممانعت از دستیابی ایران به امکانات ترانزیتی که افزایش جایگاه منطقه‌ای ایران را در پی خواهد داشت، خواست مقامات ترکیه می‌باشد. در این راستا رقابت دو کشور بعضاً ابعاد سیاسی نیز به خود گرفته است، چنانچه در منازعه‌ی میان آذربایجان و ارمنستان، ترکیه از جمهوری آذربایجان حمایت نمود و ایران بیشتر از مواضع ارمنستان حمایت می‌کرد. (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۴۲) ناگفته نماند که اسرائیل به عنوان هم پیمان ترکیه،

از مواضع این کشور در آسیای مرکزی و قفقاز پشتیبانی به عمل می‌آورد که در جهت مقابله با نفوذ ایران و دیگر قدرت‌های منطقه‌ای از جمله روسیه محسوب می‌شود.

### ج) نقش منابع انرژی در منطقه در نزدیکی ترکیه و اسرائیل

منابع عظیم انرژی در شمال و جنوب ایران، زیر چتر حمایتی آمریکا، سیاست‌های ترکیه و اسرائیل را همسو می‌سازد. منابع عظیم نفت و گاز در محدوده بیضی‌ای قرار دارد که مرکز نیکسون برای صلح و آزادی آن را «بیضی استراتژیک انرژی» می‌نامد. این محدوده عموماً مسلمان‌نشین هستند و ایران به صورت پلی دو منطقه استراتژیک خلیج فارس و دریای خزر را به هم مرتبط می‌سازد. (حسینی، ۱۳۸۶: ۴۲) از طرف دیگر، ترکیه و اسرائیل هر دو فاقد منابع نفت و گاز قابل توجه می‌باشند و با توجه به تعارض ایدئولوژیکی ایران با این دو کشور، آنها تمایل ندارند که جمهوری اسلامی ایران در منطقه‌ی شمال و حوزه‌ی خزر نیز حضور فعال داشته باشد و بخشی از منافع حاصل از استخراج و انتقال انرژی را نصیب خود سازد. اصرار آمریکا و ترکیه در انتخاب مسیر باکو - جیهان برای انتقال انرژی حوزه‌ی خزر در این راستا صورت می‌گیرد. هم‌چنین حذف ایران از کنسرسیوم نفت آذربایجان حاصل تلاش آمریکا، ترکیه و اسرائیل در جهت ایجاد محدودیت و عدم حضور ایران در فعالیت‌های نفتی آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشد. بنابراین، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر سر تسلط بر منابع انرژی منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بوده و تشکیل محور ترکیه و اسرائیل نیز در همین راستا قابل ارزیابی است.

### ۲- اهداف و منافع خاص ترکیه

#### الف) جلب حمایت لابی یهود در آمریکا

ترکیه که بعد از جنگ سرد اهمیت راهبردی خود را برای مقابله با کمونیسم از دست داده بود، نگران کاهش کمک‌های غرب گردید. این کشور برای تداوم دریافت کمک از آمریکا به حمایت نمایندگان کنگره و رئیس‌جمهور آمریکا که تحت تأثیر لابی یهود است، نیازمند

می‌باشد و جلب حمایت لابی یهود در آمریکا مستلزم بهبود روابط با اسرائیل است. بنابراین، از اهداف ترکیه در اتحاد با اسرائیل استفاده از نفوذ گسترده‌ی یهودیان در آمریکا می‌باشد.

#### ب) تقویت قدرت نظامی و ایفای نقش محوری در منطقه

ترکیه تلاش می‌کند در استراتژی خاورمیانه‌ای آمریکا نقش دولت محوری را ایفا نماید. این کشور به منظور ایفای نقش محوری خود در خاورمیانه و آسیای مرکزی نیازمند بازسازی، اصلاح و تقویت ساختار نظامی است. همسویی و همکاری با اسرائیل می‌تواند از یکسو سبب بازسازی تجهیزات و ادوات قدیمی شود و از طرف دیگر امکان دسترسی به سیستم‌های جدید نظامی - امنیتی پیشرفته و مدرن را فراهم آورد. نکته‌ی مهم در روابط نظامی ترکیه و اسرائیل بالا بودن ضریب اطمینان تداوم همکاری دو کشور بود. بر خلاف آمریکا که فشار افکار عمومی، گروه‌های حقوق بشر، لابی ارامنه و یونانیان هر از گاهی در روند ارسال تجهیزات نظامی به ترکیه اختلال ایجاد می‌کرد، در اسرائیل به دلیل مساعد بودن تفکر حاکم بر سیاستگذاران این کشور نسبت به آنکارا، احتمال پیدایش چنین اختلافی بعید به نظر می‌رسید و از طرف دیگر انجام پروژه‌های مشترک مانند تولید موشک‌های پیشرفته‌ی هوا به زمین، تولید تانک‌های مرکاوا و هواپیماهای جاسوسی بدون سرنشین مؤید آن بود که اسرائیل به تقاضاهای نظامی و تسلیحاتی ترکیه در زمینه‌ی انتقال تکنولوژی پاسخ مساعد داده است. (Eisenstaolt, 2006 : 52)

#### ج) اهداف اقتصادی

ترکیه در جهت اجرای پروژه‌های بزرگ اقتصادی خود در داخل از جمله پروژه‌ی گاپ و برنامه‌های بلندمدت در آسیای مرکزی و قفقاز با کمبود منابع مالی و فناوری مواجه بوده و انعقاد پیمان همکاری با تل‌آویو می‌توانست حمایت مالی سرمایه‌داران اسرائیل و کمک‌های مالی آمریکا را برای آن کشور در پی داشته باشد. در نتیجه آنکارا مناسبات اقتصادی خود را با اسرائیل به موازات گسترش همکاری‌های نظامی - سیاسی که در حقیقت اعطای امتیازی به اسرائیل محسوب می‌شود، گسترش داد و در این چارچوب بود که این کشور موفق شد که

قراردادهای مختلفی را در زمینه‌های اقتصادی از جمله توافقنامه‌ی تجارت آزاد بین دو کشور و طرح فروش آب به اسرائیل را منعقد کند و سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ اسرائیلی را در اقتصاد این کشور جذب نماید که مهم‌ترین آن اعلام آمادگی شرکت‌های اسرائیلی جهت سرمایه‌گذاری در پروژه‌ی عظیم گاپ بود. (Libert, 2008 : 36)

#### د) دیگر اهداف ترکیه

پیوستن کامل به اتحادیه‌ی اروپا از طریق همسویی و همراهی با سیاست‌های آمریکا و اسرائیل در منطقه و استفاده از نفوذ این کشورها در اروپا، مقابله با تهدیدات یونان و سوریه، حل مشکل کُردها با آموزش نیروهای نظامی و امنیتی ترکیه از سوی واحدهای اسرائیلی و سازماندهی و تجهیز آنها از طریق دستیابی به بازار تسلیحات و تکنولوژی اسرائیل و مقابله با اسلام‌گرایی افراطی در داخل ترکیه با کمک‌های اسرائیل و آمریکا از دیگر اهداف ترکیه از اتحاد با اسرائیل بوده است. (ملکی، ۱۳۸۶: ۴۷)

### ۳- اهداف و منافع خاص اسرائیل

#### الف) کسب مشروعیت سیاسی - اقتصادی

یکی از اهداف مهم اسرائیل از اتحاد با ترکیه، خروج از انزوای سیاسی و اقتصادی در منطقه بوده است. این کشور با گسترش روابط خود با ترکیه به عنوان یک کشور مسلمان در صدد کسب مشروعیت در منطقه می‌باشد. این هدف اسرائیل به راهبرد این کشور در دهه‌ی ۱۹۵۰ باز می‌گردد که رژیم وقت اسرائیل سعی داشت در چارچوب همکاری با دُول غیرعرب مانند ایران، اتیوپی و ترکیه سدی در مقابل دُول عربی ایجاد کند که به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و سرنگونی حکومت هایلر سلاسی در اتیوپی، بخشی از راهبرد بازدارندگی اسرائیل با شکست مواجه شد. این راهبرد که متأثر از افکار بن گورین بود، قصد داشت که از طریق رابطه با همسایگان کشورهای عربی و تحریک آنها برای دشمنی علیه اعراب، دُول عربی را در محاصره‌ی نظامی، اقتصادی و سیاسی خود قرار دهد و پیمان ترکیه و اسرائیل نیز در چارچوب این راهبرد



قابل ارزیابی است. به موجب این پیمان استفاده اسرائیل از پایگاه اینجریلیک ترکیه به این رژیم اجازه می‌دهد که با هواپیمای فانتوم «اف-۴» خود به سوریه و نیمی از منطقه‌ی غرب اردن دست یابد و با هواپیمای «اف-۱۶» شمال عربستان و نیمه‌ی شمالی عراق و شمال غربی ایران را پوشش دهد و با هواپیمای «اف-۱۵» بخشی از دریای سرخ، کویت، عراق و نیمی از غرب ایران و همه‌ی دریای خزر را هدف قرار دهد. یکی از کارشناسان اسرائیلی در مورد پیامدهای این پیمان برای ایران می‌گوید: «قرارداد ترکیه و اسرائیل یک قرارداد تشریفاتی نیست، بلکه قراردادی استراتژیک با ابعادی وسیع می‌باشد که اگر لازم باشد براساس آن اسرائیل قادر خواهد بود برای تأمین امنیت خود اهدافی را در ایران مورد حمله قرار دهد». (Hill, 2008 : 65) هم‌چنین اسرائیل در صدد بوده از موقعیت ژئوپلیتیکی ترکیه به عنوان پلی ارتباطی با مناطق استراتژیک آسیای مرکزی و قفقاز بهره‌گیری نماید و در این زمینه جلب حمایت کشورها در سازمان‌های بین‌المللی برای کاهش فشار علیه اسرائیل و رفع بحران مشروعیت بین‌المللی آن، جلوگیری از تشکیل جبهه‌ی ضد اسرائیلی در منطقه، گسترش سطح تماس با کشورهای اسلامی و تأمین مواضع دیپلماتیک یکنواخت کشورهای منطقه در مورد مناقشه‌ی اعراب و اسرائیل و فرآیند صلح خاورمیانه از اهداف اسرائیل بوده است. (ملکی، ۱۳۸۶: ۴۸)

#### ب) استفاده از منابع عظیم آبی ترکیه

اکثر کشورهای خاورمیانه از جمله اسرائیل با کمبود جدی آب مواجه هستند. اسرائیل از زمان تأسیس در سال ۱۹۴۸ به گسترش تمامی منابع آب موجود قابل بازیابی اقدام کرده و بهره‌برداری بیش از اندازه از منابع آبی، امروزه این کشور را با کمبود آبی شدید مواجه ساخته است. (نهای، ۱۳۸۷: ۵۰-۴۴) در واقع آب، زمین، امنیت و نیروی انسانی ارکان اصلی امنیت ملی اسرائیل را تشکیل می‌دهند و در این میان آب در تفکر صهیونیسم از اهمیت اساسی برخوردار است. از طرف دیگر، ترکیه تنها کشور خاورمیانه است که دارای منابع عظیم آب می‌باشد و این کشور به واسطه‌ی عدم برخورداری از منابع نفتی قصد دارد که از این نعمت خدادادی حداکثر بهره‌برداری را بنماید و برای تحقق این هدف اقدام به اجرای طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ از جمله

پروژه‌ی عظیم گاپ در جنوب شرقی خود نموده است که شامل ۲۱ سد و ۴۱ نیروگاه می‌باشد. ترکیه هم‌چنین از اواسط دهه‌ی ۱۹۸۰ اندیشه‌ی خطوط لوله‌های صلح را برای حمل آب از ترکیه به منطقه خلیج فارس و کشورهای خاور نزدیک را مطرح کرد که حاصل این پیشنهاد تسلط نوین ترکیه بر منطقه عربی خاورمیانه خواهد بود و در میان کشورهای منطقه تنها اسرائیل از این پروژه حمایت کرده است. (نهای، ۱۳۸۷: ۳۴)

#### ج) دیگر اهداف اسرائیل عبارتند بودند از

مقابله با گسترش انقلاب اسلامی، حضور در مرزهای جمهوری اسلامی ایران جهت جمع‌آوری اطلاعات و حمله به مراکز راهبردی ایران در زمان مقتضی، فشار بر ایران و سوریه و استفاده از موقعیت ژئوپولیتیک ترکیه برای نفوذ در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز.

#### چشم‌انداز آینده روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی

ترکیه و اسرائیل از زمان پایان جنگ سرد به این سو شراکت راهبردی با هم را آغاز کرده‌اند. به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه و دولتی که تمایل چندانی با سازش با اسرائیل ندارد و هم‌چنین شرایط جدید ژئوپولیتیکی خاور نزدیک، این شراکت را از ماهیت آن خالی کرده است. به این ترتیب، این شراکت برای سیاست خارجی ترکیه بیش از آنکه دستاوردی داشته باشد نوعی اجبار به شمار می‌رود. (اسکندری، ۱۳۸۸: ۵۲) رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه پس از حوادثی که در نشست داووس در ژانویه سال ۲۰۰۹ بین وی و شیمون پرز رخ داد، نقاب از چهره‌ی روابط به سردی گراییده‌ی زوج ترکیه و اسرائیل برداشت. اظهارات او یگدور لیبرمن وزیر امور خارجه‌ی اسرائیل، نزدیکی ترکیه با همسایگان سوری و عراقی‌اش و لغو رزمایش هوایی مشترک عقاب آناتولی نیز فقط باعث افزایش ناراحتی‌های موجود بین آنکارا و تل‌آویو شد. این امر به حدی جدی شده است که اکنون می‌توان این سؤال را مطرح کرد که آیا ترکیه در حال تغییر اردوگاه خود است؟ در سال ۱۹۴۸ ترکیه اولین کشور مسلمان بود که اسرائیل را به رسمیت شناخت؛ هر چند اقدام به افتتاح سفارتخانه در تل‌آویو نکرد. در زمان جنگ سرد ترکیه

در مناقشه‌ی اعراب و اسرائیل با تمرکز بر تهدیدات ناشی از شوروی سابق، سیاست بی‌طرفی را در پیش گرفت، اما روابطی پنهانی بین ترکیه و اسرائیل شکل گرفت. به این ترتیب، دیوید بن گورین و گلدا مه‌یر در اوت ۱۹۵۸ برای امضای توافق سری به ترکیه سفر کردند و ترکیه و اسرائیل متعهد به تبادل اطلاعات با یکدیگر و تجاوز نکردن به منافع هم شدند. آنکارا و تل‌آویو هم‌چنین در این زمینه به تفاهم رسیدند که لابی‌های خودشان در واشنگتن را برای منافع متقابل فعال کنند. روابط بین ترکیه و اسرائیل پس از دوره‌ای سرد که ناشی از جنگ شش روزه بود، به دنبال کودتایی که باعث به قدرت رسیدن نظامیان در آنکارا در سال ۱۹۸۰ شد، رو به گرمی نهاد. اسرائیلی‌ها برای تقویت همکاری‌ها با دولت نظامی ترکیه که در عین حال لائیک و پیرو سیاست‌های مصطفی کمال آتاتورک بود، بسیار راغب بودند و این در شرایطی بود که انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسیده بود و خطر اسلامی شدن منطقه به شدت احساس می‌شد. در اواخر سال ۱۹۸۱ دولت نظامی حاکم بر ترکیه از محکوم کردن الحاق جولان به اسرائیل خودداری کرد و دولت اسرائیل اطلاعات گسترده‌ای درباره‌ی سازمان تروریستی مسلح و مخفی ارمنی آزادی ارمنستان در اختیار آنکارا گذاشت و به این ترتیب همکاری پایداری در زمینه اطلاعاتی بین آنکارا و تل‌آویو آغاز شد. (آیدین، ۱۳۸۶: ۶۸)

#### شراکت راهبردی در خدمت منافع متقابل

پایان جنگ سرد نزدیکی بین ترکیه و اسرائیل را تسریع کرد. آنکارا در برابر ظهور بحران‌های بالکان و تلاش برای ظهور رکنی اروپایی در ناتو این سؤال را مطرح کرد که آیا ناتو همواره برای پاسخگویی به حملات یک کشور همسایه حاضر خواهد بود یا نه؟ قدرت‌های حاکم بر سوریه و عراق بیش از پیش در قبال ترکیه کینه‌توز شده بودند و خاورمیانه به سمت خطرناک شدن پیش می‌رفت که علت آن اشاعه‌ی سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیکی، موشک‌های بالستیک و افزایش فعالیت‌های گروه‌های تروریستی بود. رهبران ترکیه که با انتقادهای و برخوردهای بد غرب مواجه شده بودند، به این نتیجه رسیدند که نفعشان در برقراری شراکتی راهبردی با اسرائیل است و به این ترتیب، روابط قدیمی بین آنکارا و تل‌آویو رسمی

شد. در دسامبر ۱۹۹۱ سفرای ترکیه و اسرائیل در پایتخت‌های یکدیگر معرفی شدند. روز ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴، نخست وزیران ترکیه و اسرائیل توافقی را مبنی بر محرمانه بودن تعاملات با یکدیگر به امضا رساندند و به این ترتیب، طرح اولیه همکاری‌های امنیتی بین ترکیه و اسرائیل ریخته شد. روز ۲۳ فوریه ۱۹۹۶، ژنرال دیوید ایوری مدیر کل وزارت دفاع اسرائیل توافق همکاری نظامی با آنکارا را به امضا رساند و به این ترتیب، قرار شد ترکیه و اسرائیل به طور متقابل از آسمان پایگاه‌ها، بنادر و تسهیلات آموزشی یکدیگر استفاده کنند. بر اساس این توافق هم‌چنین قرار شد تمرین‌های هوایی مشترک بین ترکیه و اسرائیل برگزار شود و هر دو سال یک بار گفتگوهای راهبردی بین ستادهای ارتش دو طرف ترتیب داده شود و در این گفتگوها نحوه همکاری‌های اطلاعاتی بین آنکارا و تل‌آویو تعریف شود. خلبان‌های اسرائیلی که تا آن زمان مجبور بودند از فراز مدیترانه عبور کنند پس از این توافقات توانستند از آسمان پهناور ترکیه استفاده کنند. به این ترتیب آنها از فضای پروازی ترکیه، می‌توانستند سوریه، عراق یا ایران را هدف قرار دهند و هم‌چنین می‌توانستند در بخش تحت کنترل ترکیه در جزیره قبرس نیز فرود بیایند. در مقابل مربیان اسرائیلی خلبان‌های ترک را با فناوری‌های فرامدرن آشنا می‌کردند و به آنها نحوه محافظت از خود در برابر موشک‌های روسی زمین به هوای (S-300) را آموزش می‌دادند. (خطیب زاده، ۱۳۸۶: ۱۰۸) در سال ۱۹۹۶ توافق دومی به امضا رسید که به مسائل تسلیحاتی مربوط می‌شد. صنایع دفاعی اسرائیل متعهد شد که حدود ۱۰۰ فروند از شکاری بمب‌افکن‌های ترکیه یعنی ۵۴ فروند F-5 فانتوم و ۴۸ فروند F-4 تایگر، دو ناوگان هواپیماهای حمل و نقل و سوخت‌رسان شامل C-130 و K-335، هم‌چنین ۱۷۰ تانک M-60 پاتون را مدرنیزه کند. اسرائیل هم‌چنین متعهد شد موشک هواپیماهای بدون سرنشین، سامانه‌های الکترونیکی و تجهیزات راداری به ارتش ترکیه بفروشد و اجازه‌ی ساخت (لیسانس) برخی سلاح‌ها را به ترکیه بدهد و در توسعه‌ی برخی موشک‌ها با آنکارا همکاری کند. دولت ترکیه در نظر داشت ناوگان هواپیماهای جنگی F-16 خود را در اسرائیل به روز کند، به این امید که این همکاری به آنکارا اجازه خواهد داد در بهترین شرایط در برنامه‌ی پنهانی آمریکایی شکاری‌های F-35 که نیروی هوایی اسرائیل به دنبال خرید آن بود، وارد شود. حتی طی

سال‌های متمادی طرح فروش تانک‌های اسرائیلی مرکاوا سه، به ارتش ترکیه به طور جدی مدنظر آنکارا قرار داشت. این شراکت امتیازات فراوانی هم برای ترکیه و هم برای اسرائیل داشت و به اندازه‌ای مؤثر بود که به اردن نیز کشیده شد و به این ترتیب انسجام بین اعراب را متزلزل کرد. کشورهای عربی آن گونه که عبدالحلیم خدام سوری می‌گوید در این باره اشتباه نمی‌کنند. وی هم‌چنین اظهار می‌دارد که شراکت ترکیه و اسرائیل بزرگ‌ترین تهدید برای اعراب از سال ۱۹۴۸ تا کنون است. در اکتبر ۱۹۹۸ تنش‌ها بین ترکیه و سوریه تشدید شد و آنکارا از دمشق به علت پناه دادن به عبدالله اوچالان رهبر حزب پ.ک.ک و حمایت از اقدامات وی در کردستان ترکیه انتقاد کرد. مقامات ترکیه ارتش خود را در مرز سوریه بسیج کردند و تهدید کردند در صورتی که دمشق اوچالان را اخراج نکند، اقدام به مداخله‌ی نظامی خواهند کرد. در همان زمان دولت اسرائیل فشارها بر سوریه را بیشتر کرد. قدرت حاکم بر سوریه که نمی‌توانست در دو جبهه مبارزه کند، در نهایت تسلیم شد و اقدام به اخراج اوچالان کرد. این رهبر پ.ک.ک نیز چند ماه بعد با کمک موساد در کنیا دستگیر شد. همکاری بین ترکیه و اسرائیل مزایای دیگری نیز داشت. اسرائیل به لطف روابط ممتازش با ترکیه به ناتو و برخی از کشورهای اروپایی نزدیک شد و با آنها روابط پیچیده‌ای را برقرار کرد. دولت ترکیه نیز روی حمایت گروه‌های با نفوذ طرفدار اسرائیل در آمریکا و اروپا حساب می‌کرد؛ برای اینکه از انزوای نسبی خود خارج شود و مواضعش را در برخی پرونده‌ها از جمله انرژی و صنعت و روابط با یونان و ارمنستان تقویت کند و اینکه روند الحاق احتمالی اش به اتحادیه‌ی اروپا را تسریع کند. مزیت سوم این است که ماه عسل بین ترکیه و اسرائیل باعث افزایش همکاری‌های اقتصادی آنها شد. از سال ۱۹۹۷ همکاری بین آنکارا و تل‌آویو چند برابر شده است و این همکاری در زمینه‌ی محصولات کشاورزی و غذایی، مالی، صنایع نساجی یا ساختمان‌سازی و کارهای عمومی هم‌چون سیمان و بتن مسلح بوده است. به این ترتیب صنایع ترکیه به فرودگاه جدید بین‌المللی تل‌آویو تبدیل شد. این درحالی است که این همکاری‌ها در زمینه‌ی گردشگری مشهودتر است، به طوری که بیش از چهار صد هزار اسرائیلی هر ساله به ترکیه سفر می‌کنند. حجم مبادلات بین ترکیه و اسرائیل طی ده سال اخیر سه برابر شده است و

از رقم یک و سه دهم میلیارد دلار در سال ۱۹۹۷ به چهار میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ رسیده است. سرانجام این که روابط بین آنکارا و تل آویو امکان تحقق همکاری‌ها در دو زمینه‌ی حساس را نیز می‌دهد که عبارتند از انرژی و آب شیرین در آوریل سال ۲۰۰۰ آنکارا و تل آویو طرح ساخت خط لوله‌ی نفتی زیر دریایی بین پایانه‌ی نفتی جیهان- ترکیه به اشکلون- غسقلان را بررسی کردند. برای اینکه بخشی از نفت دریای خزر به اسرائیل منتقل شود. دولت اسرائیل به دنبال تنوع بخشی به منابع تأمین انرژی خود بود و این گزینه با اینکه هزینه بر بود، اما فقط سه کشور آذربایجان، گرجستان و ترکیه را درگیر می‌کرد که تل آویو با همه‌ی آنها روابطی عالی داشت. (Hill, 2008: 67) این گزینه به اسرائیل اجازه می‌داد سودآوری خط لوله‌ی نفت خود بین اشکلون- غسقلان و ایلات را محقق کند. مسیر زیردریایی دیگر نیز برای هدایت آب شیرین از آناتولی به اسرائیل پیش‌بینی شد. این طرح رسانه‌ای شده باعث بحث‌های فراوانی درباره احتمال معامله‌ی بین اسرائیل و ترکیه را به راه انداخت. در طرح اصولی دولت ترکیه در ژانویه‌ی ۲۰۰۴ متعهد شده بود، هر سال ۵۰ میلیون متر مکعب آب شیرین به مدت بیست سال به اسرائیل انتقال دهد که به این ترتیب، سه درصد از نیاز اسرائیل به آب تأمین می‌شد. آغاز انتفاضه‌ی دوم در پاییز ۲۰۰۰ دولت ترکیه را در وضعیت حساسی قرار داد. آنکارا برای اینکه روابط ممتازش با تل آویو تضعیف نشود نمی‌خواست در امور داخلی اسرائیل دخالت کند، اما نمی‌توانست در برابر رنج مردم فلسطین که همواره به آنها علاقه‌مندی واقعی خود را نشان داده است، بی‌تفاوت بماند. فلسطینی‌ها مدت‌های طولانی به عنوان وفادارترین شهروندان به امپراتوری عثمانی تلقی می‌شدند و حمایت از آنها اجماع گسترده‌ای در جامعه ترکیه از چپ‌های ترقی‌خواه گرفته تا راست‌های مذهبی داشت. اگر دولت ترکیه لحن ملایمی در قبال اسرائیل اتخاذ کرد، اما مطبوعات این کشور به شدت به انتقاد از سرکوبگری تل آویو پرداختند؛ اما پاسخ دولت اسرائیل زیاد به تأخیر نیفتاد و یوسی سرید وزیر آموزش اسرائیل پیشنهاد داد روز یادبود نسل‌کشی ارمنی‌ها برگزار شود و این امر باعث انتقادات شدید ترکیه شد. چند ماه بعد دولت اسرائیل پیشنهاد داد پروفیسور ایهود تولدانو سفیر اسرائیل در آنکارا باشد و این فرد همان کسی بود که ترکیه را به نسل‌کشی ارمنی‌ها متهم کرده بود. این اتفاقات آشکارا نشان داد

که چه مسائلی احتمالاً می‌تواند روابط خوب بین تل‌آویو و آنکارا تحت تأثیر قرار دهد. (Ofra&Ozcan,2008:139) حزب عدالت و توسعه در انتخابات عمومی ترکیه در نوامبر ۲۰۰۲ به پیروزی رسید. نظامیان ترکیه به هم‌تایان اسرائیلی خود اطمینان دادند که تضمینی بر حفظ سیاست خارجی و امنیتی و حافظ منافع ترکیه و اسرائیل خواهند بود و یادآوری کردند که در سال ۱۹۹۷ نجم‌الدین اربکان، نخست‌وزیر نزدیک به جنبش اسلامی را وادار به استعفا کرده بودند. مقامات جدید سیاسی ترکیه در مارس ۲۰۰۳ با مداخله‌ی آمریکا در عراق مخالفت کردند و استفاده از خاک کشورشان برای نظامیان حاضر در این عملیات را ممنوع کردند. اسرائیلی‌ها که سقوط صدام برایشان اولویت مطلق بود، در این امر مشکلی جدی برای روابط برد-برد می‌دیدند. اسرائیلی‌ها با آگاهی از منافع خود در امور عراق یعنی حفظ عراق ضعیف و در صورت امکان دچار تفرقه شده، حمایتشان را از کردهای عراق اعلام کردند. به این ترتیب، در این باره اختلاف منافع بین اسرائیل و ترکیه پیش آمد؛ زیرا آنکارا خواهان عراقی متحد بود و همه‌ی تلاش خود را می‌کرد تا نفوذ کردها را به حداقل برساند. تل‌آویو که به حمایت ترکیه در برابر سوریه و ایران نیاز داشت، سعی کرد ترکیه را با خود همراه کند. شیمون پرز و آریل شارون و ایهود باراک و بنیامین بن الیزر (از ژنرال‌های اسرائیلی بازنشسته صاحب نفوذ در آنکارا) تلاش‌های خود را در این زمینه به شدت افزایش دادند. اما در ادامه مشکلاتی در زمینه‌ی همکاری نظامی بین اسرائیل و ترکیه پدید آمد. مشکلات جدید در طی جنگ دوم لبنان در تابستان ۲۰۰۶ پدید آمد. رجب طیب اردوغان به طور علنی اقدام نامتناسب و حملات ارتش اسرائیل را محکوم کرد، اما در ضمن آن اعلام کرد که ترکیه در برابر خطراتی که منطقه را تهدید می‌کند، در کنار اسرائیل و آمریکا قرار خواهد داشت. نخست‌وزیر ترکیه با اعلام دل‌سردی خود از سرنوشت فلسطینی‌ها، اراده‌ی خود را برای حفظ ائتلاف سه‌جانبه‌ی اسرائیل ترکیه و آنکارا ثابت کرد. وی همچنین در ادامه یاشار بویوک‌نیت را که به علاقه‌اش به دستگاه نظامی آمریکا و اسرائیل مشهور است، به فرماندهی ارتش برگزید، اما استقبال وی از خالد مشعل در آنکارا باعث خشم اسرائیلی‌ها شد. با وجود این مشکلات گذرا دولت ترکیه و اسرائیل زمانی که منافع مشترکشان تهدید شود در موضع مشترکی قرار می‌گیرند. آنکارا و

تل آویو به صورت پنهانی فعالیت‌هایشان را برای به شکست کشاندن فعالیت هسته‌ای مخفی سوریه هماهنگ می‌کنند. در شب ششم سپتامبر ۲۰۰۷ نیروی هوایی اسرائیل تأسیسات هسته‌ای سوریه را پس از عبور از آسمان ترکیه نابود کرد. برای اینکه به سوریه و ایران بهتر نشان دهد که در صورت نیاز می‌تواند حمایت قطعی ترکیه را کسب کند، نیروهای هوایی اسرائیل چندین مخزن اضافی خود را در آسمان ترکیه خالی کردند تا از عبور خود از آسمان ترکیه ردی آشکار برجای گذاشته باشند. مقامات ترکیه که می‌خواهند بی‌طرفی ظاهری خود را در این امر حفظ کنند، از نقص حریم هوایی خود و حمایت اسرائیل از چریک‌های کرد انتقاد کردند. ایهود اولمرت و شیمون پرز به صورت رسمی از ترکیه عذرخواهی کردند و وعده دادند هرگونه حمایت از کردهای عراق را متوقف کنند و متعهد شدند ۱۰ هواپیمای بدون خلبان را به آنکارا تحویل دهند تا اینکه به طور مؤثرتر با پ.ک.ک مبارزه کند. انتخاب عبدالله گل به ریاست جمهوری ترکیه در ۲۸ اوت ۲۰۰۷ بدگمانی اسرائیل به توانایی نظامی ترکیه برای ایجاد مانع در برابر سیاست اسلام‌گرایانه‌ی مقامات سیاسی را تشدید کرد. رژیم صهیونیستی قرارداد ساخت خط لوله برای هدایت آب شیرین از ترکیه را به بهانه‌ی هزینه‌ی زیاد آن لغو کرد. مذاکرات درباره‌ی خط لوله‌ی نفت جیهان، اشکلون، غسقلان نیز در معرض نابودی قرار گرفت. نخست‌وزیر ترکیه به طور رسمی به اسرائیل سفر کرد تا روابطی را که به نظر می‌رسد از هر طرف در حال از هم گسیختن است، تقویت کند. در رویدادی تناقض‌آمیز تأیید قدرت اسلامی در ترکیه، میدان همکاری سیاسی جدیدی را در روابط بین ترکیه و اسرائیل ایجاد کرد. در اواخر سال ۲۰۰۷ آنکارا پیشنهاد داد برای تسهیل مذاکرات صلح بین اسرائیل و سوریه میانجی‌گری کند. میانجی‌گری که با بهبود چشمگیر روابط بین ترکیه و سوریه میسر شده بود. عبدالله گل و اردوغان مصمم بودند تا دیپلماسی‌شان را به سمت سیاست حسن هم‌جواری همه‌جانبه تغییر دهند. سال ۲۰۰۸ با میانجی‌گری دیپلمات‌های ترکیه، چهار دور مذاکره بین تل‌آویو و دمشق برگزار شد که پیشرفت‌های محسوسی در آن مشاهده شد. توافقی اصولی درباره‌ی باز پس دادن جولان و غیر نظامی کردن این منطقه به‌دست آمد، اما در ادامه به علت نبود اراده‌ی کافی در طرفین بی‌نتیجه ماند. به دنبال این بحران اعتماد، جنگ ژانویه‌ی ۲۰۰۹ علیه غزه روابط بین



ترکیه و اسرائیل را منقلب کرد. به محض آغاز حملات اسرائیل در دسامبر ۲۰۰۸ دولت ترکیه طرفین درگیر را به خویشتن داری دعوت کرد. نخست وزیر ترکیه تلاش کرد همتای اسرائیلی خود را آرام کند، اما نتوانست در اراده‌ی وی خللی وارد کند. رسانه‌های ترکیه به شدت این حملات را که باعث کشته شدن شمار زیادی از غیرنظامیان شد، مورد انتقاد قرار دادند. آنها هم‌چنین با اشاره به اینکه خلبان‌های اسرائیلی در ترکیه تمرین کرده‌اند دولت خود را به باد انتقاد گرفتند. رسانه‌های اسرائیل نیز مقامات ترکیه را به علت عبور دادن کاروان‌های سلاح از ایران به مقصد حزب‌الله و حماس مورد انتقاد قرار دادند. عملیات سرب گذاخته در هیجده ژانویه ۲۰۰۹ و فقط چند روز قبل از ادای سوگند ریاست جمهوری باراک اوباما به پایان رسید. مقامات ترکیه در برابر شمار زیاد قربانیان غیرنظامی فلسطینی، خود را مجبور به واکنش آشکار دیدند. رجب طیب اردوغان در روز ۲۹ ژانویه در نشست داووس به شدت به مشاجره با شیمون پرز پرداخت و به این ترتیب، به قهرمانی در جهان عرب تبدیل شد. دولت در حال احتضار ایهود اولمرت تلاش کرد خشم ظاهری نخست وزیر ترکیه را تخفیف دهد، اما موفق به این کار نشد. چند هفته بعد انتصاب بنیامین نتانیاهو به نخست وزیری اسرائیل فقط باعث تشدید تنش‌ها بین آنکارا و تل‌آویو گردید. (Free encyclopedia, 2010) از سوی دیگر لیبرمن وزیر امور خارجه‌ی جدید اسرائیل نیز بر اظهارات تحریک‌کننده‌ی خود در قبال مقامات ترکیه افزود. البته تا قبل از این اتفاقات سودمندی روابط با ترکیه مورد اجماع گسترده‌ی طبقه‌ی سیاسی اسرائیل بود. [در داخل رژیم صهیونیستی] فقط احزاب روس زبان و مذهبی افراطی بودند که با این امر به مخالف بودند که روس زبان‌ها خصومت ذاتی با ترکیه داشتند و مذهبی‌های افراطی نیز با مسلمان بودن ترکیه مشکل داشتند، اما ادامه‌ی حیات ائتلاف جدید اسرائیل به این احزاب بستگی داشت که از موقعیت خودشان برای ضربه زدن به دوستی بین ترکیه و اسرائیل استفاده می‌کردند. از آن زمان دولت ترکیه خود را برای اجرای سیاست جدید خاورمیانه‌ای، آزاد احساس کرد؛ امری که شماری از تحلیلگران عرب نیز به آن اشاره داشته‌اند. پس از بی‌اعتنایی مقامات اروپایی، رهبران ترکیه متوجه شدند که ورودشان به اتحادیه‌ی اروپا در کوتاه مدت امکان‌پذیر نیست، آنها هم‌چنین از شکست تلاش‌های خود برای راهیابی به

آسیای مرکزی آگاه شدند، زیرا در این منطقه منافعشان با منافع روسیه، چین و آمریکا برخورد داشت. نتیجه‌گیری منطقی از این امور این است که برای ترکیه که به دنبال افزایش نفوذش و تحمیل خود به عنوان بازیگر منطقه‌ای غیرقابل چشم‌پوشی و از این طریق راهیابی به اتحادیه اروپاست، فقط خاورمیانه باقی مانده است. به این ترتیب، در این منطقه‌ی راهبردی بازگشت ترکیه که بر قدرت نرم خود تکیه دارد، باعث شده است این کشور پیشنهادهایی را برای شراکت اقتصادی و میانجی‌گری بین اسرائیل و سوریه مطرح کند. آنکارا برای اینکه مطمئن شود که مسأله کردها به زیانش حل و فصل نمی‌شود، باید در زمان عقب‌نشینی آمریکا از عراق، در منطقه حضور و نفوذ داشته باشد. برای رسیدن به این هدف، ترکیه می‌داند برای اینکه به عنوان میانجی قابل اعتمادی در نگاه اعراب ظاهر شود، باید سیاست خارجی خود را با فاصله گرفتن از اسرائیل متوازن کند. اما در این بین لازم نیست که ترکیه روابط خود با اسرائیل را انکار کند؛ بلکه باید فضای درستی بین اعراب و اسرائیل برای خود دست و پا کند. ظاهراً این کار چندان نیز سخت نبوده است، زیرا ترکیه امروز به عنوان الگویی در قلمرو عربی-اسلامی و رهبر جدیدی برای کشورهای عربی سنی در برابر ایران شیعه تلقی می‌شود. این جهت‌گیری جدید ترکیه آن‌چنان مناسب به نظر رسیده است که اوپاما نیز از آن حمایت می‌کند. اوپاما روز ششم آوریل ۲۰۰۹ از عظمت و اهمیت ترکیه در ایفای نقشی عمده برای ایجاد توازن منطقه‌ای تقدیر کرد. به این ترتیب، ترکیه دیگر نیازی به اسرائیل ندارد که برای آنکارا در واشنگتن وساطت کند. ترکیه با کنار گذاشتن توهم پیوستن خود به اتحادیه‌ی اروپا حداقل در میان‌مدت دیگر نیازی به واسطه‌گری اسرائیل در پایتخت‌های اروپایی نیز ندارد. انتصاب احمد داوود اوغلو به وزارت امور خارجه‌ی ترکیه که از مشاوران نزدیک رجب طیب اردوغان است، تمایل ترکیه به سمت کشورهای عربی-اسلامی را بیشتر کرد. ترکیه، سوریه و عراق در روز ۱۸ مارس ۲۰۰۹ در پنجمین همایش جهانی آب که در استانبول برگزار شد بر سر تقسیم جدید منابع آبی‌شان به تفاهم رسیدند و به این ترتیب یکی از منابع تنش بین این کشورها از بین رفت. ارتش ترکیه و سوریه در اواخر آوریل سال ۲۰۰۹ برای اولین بار رزمایش مشترک برگزار کردند که نشان‌دهنده‌ی آغاز مرحله‌ی جدیدی در نزدیکی بین این دو کشور بود. رئیس‌جمهور

ترکیه از پانزدهم تا هفدهم ماه مه به طور رسمی به دمشق سفر کرد و توافقات همکاری‌های اقتصادی زیادی را در سوریه امضا کرد. میزان مبادلات تجاری بین ترکیه و سوریه در سال ۲۰۰۹ به ۲ میلیارد دلار رسیده است؛ در حالی که پیش از سال ۲۰۰۰ این میزان ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون دلار بود. آنکارا اعلام کرد که آماده است ارتش لبنان را بار دیگر تجهیز کند و نیروهای آن را آموزش دهد. کمک ترکیه هم‌چنین شامل حال عراق نیز می‌شود. مبادلات تجاری ترکیه با عراق در سال گذشته، افزایش چشمگیری داشته و به حدود ۵ میلیارد دلار رسیده است. هم‌چنین آنکارا و بغداد در روز دهم ژوئن ۲۰۰۹ توافقنامه‌ی مهمی را در زمینه‌ی همکاری نظامی امضا کردند. ترکیه با قطر در اواخر ماه اوت نیز قرارداد همکاری نظامی امضا کرد. امیر قطر از این بابت به شدت ابراز خوشحالی کرد، زیرا این توافق از وابستگی قطر به عربستان سعودی می‌کاست. عربستانی که از نفوذ سیاسی و اقتصادی ترکیه در منطقه به شدت عصبانی است. ترکیه، سوریه، لبنان و اردن در روز ۱۶ سپتامبر به طور متقابل الزام اخذ روادید برای سفر شهروندانشان را لغو کردند تا به این ترتیب روابط اقتصادی و فرهنگی در بین این کشورها گسترش یابد. دو کشور ترکیه و سوریه روز ۱۳ اکتبر توافقی را برای تقویت همکاری‌های نظامی امضا و شورای مشترک همکاری‌های راهبردی را تأسیس کردند. مرز بین دو کشور به طور نمادین به مدت چند ساعت باز شد و آنکارا و دمشق متعهد شدند که مسائل منطقه‌ی اسکندریه را به صورت دیپلماتیک حل و فصل کنند. نخست وزیران دو کشور حتی اراده‌ی خود برای برگزاری نشست‌های مشترک کابینه‌هایشان را اعلام کردند و به تقویت همکاری‌ها با کشورهای عربی دعوت کردند. یکی از کارشناسان این پرونده می‌گوید که همراهی سوریه با ترکیه به دمشق اجازه می‌دهد که وضعیت ضعیف اقتصادی خود را تقویت کند. دو روز بعد ترکیه با عراق توافق همکاری امضا کرد. آنکارا متوجه شد که لازم است رفتار خود را در قبال پرونده‌ی کردهای عراق تغییر دهد، برای اینکه بتواند آینده را برای خود حفظ کند. در واقع ترک‌ها متعهد شدند در اربیل عراق کنسولگری افتتاح کنند که پایتخت کردستان عراق محسوب می‌شود. ترک‌ها به طور گسترده در این منطقه سرمایه‌گذاری می‌کنند و به‌ویژه در این زمینه وعده داده‌اند که پالایشگاه نفت فوق مدرنی را احداث کنند. در اواسط ماه نوامبر

در برابر تشدید تنش‌ها بین عراق و سوریه، دولت ترکیه پیشنهاد میانجی‌گری خود را ارائه کرد. روابط ترکیه با مصر نیز شاهد شکوفایی بوده است از ۱۵ تا ۲۱ نوامبر، نیروی دریایی ترکیه و مصر رزمایش‌های دریایی مشترک برگزار کردند. روابط ترکیه با ایران نیز ملاحظت‌آمیز شده است. دولت ترکیه احتمالاً با ایران توافق همکاری امضا کرده است که بر اساس آن آنکارا متعهد شده است در صورتی که از حمله‌ی قریب‌الوقوع اسرائیل به ایران با خبر شود، تهران را مطلع کند. از این لحاظ دولت ترکیه به اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها اعلام کرده است که تحمل نخواهد کرد از خاک یا آسمانش برای حمله به ایران استفاده کنند و اسرائیل را تهدید کرده است که در صورت حمله به ایران به روابطش با تل‌آویو پایان خواهد داد. به موازات این آنکارا قراردادی ۳۸ میلیون دلاری با شرکت اسرائیلی الکترواپتیک را لغو کرد و از طرح ایجاد منطقه‌ی عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه حمایت کرد. در عین حال، اسرائیلی‌ها از تحویل هواپیماهای بدون سرنشین مورد درخواست ارتش ترکیه صرف‌نظر کردند. این امر به دنبال اختلاف بین صنایع ترکیه و اسرائیل رخ داد که هر یک از طرفین اشتباه فنی را به گردن دیگری انداختند. وزیر امور خارجه ترکیه در اوایل سپتامبر ۲۰۰۹ سفر خود به اسرائیل را پس از امتناع تل‌آویو از سفر وی به غزه لغو کرد. ترکیه روز ۱۲ اکتبر رزمایش نظامی مشترک خود را در اعتراض به حمله‌ی اسرائیل به غزه ملغی اعلام کرد. به این ترتیب، نظامیان اسرائیل این توهین را نشانه‌ی کاهش نفوذ نهادهای نظامی ترکیه در برابر قدرت غیرنظامی حاکم بر این کشور تلقی کردند. (Teibel, 2010) نظامیان ترکیه به نوبه خود خاطر نشان کردند که این تصمیم از سوی حزب عدالت و توسعه به آنها تحمیل نشده است، بلکه نظامیان به دنبال منافع نهادی خود هستند و نمی‌خواهند با جامعه‌ی مدنی گسست داشته باشند. در واقع، به نظر می‌رسد که نظامیان ترکیه با اینکه از نفوذ روز افزون اسلام‌گرایان ناراضی هستند، ولی با سیاست نو عثمانی حزب عدالت و توسعه که خطر مناقشه‌ها را کاهش داده و وجهه‌ی ترکیه را در سطح منطقه ارتقا بخشیده است، سازگار شده‌اند. دیپلمات‌های ترکیه برای حفظ ظاهر بر خواست خود برای حفظ روابط با اسرائیل تأکید دارند. رئیس‌جمهور ترکیه می‌گوید که آماده است در صورتی که تل‌آویو رفتاری سازشکارانه در قبال فلسطین داشته باشد به اسرائیل سفر

کند. ابتدای سال ۲۰۱۰ با بازگشت تنش بین آنکارا و تل‌آویو همراه بود. نخست وزیر ترکیه بار دیگر سیاست اسرائیل در خاور نزدیک را محکوم کرد و آن را متهم کرد که امنیت جهان را تهدید می‌کند. به این ترتیب، اردوغان از شدت تهدید علیه ایران کاست و انگشت اتهام را به سمت زرادخانه‌ی اسرائیل نشانه رفت. از قضای روزگار تلویزیون ترکیه نیز سریال جدایی را پخش می‌کرد که در آن اسرائیلی‌ها به طور عمدی کودکان فلسطینی را به قتل می‌رساندند. اسرائیل نیز در اعتراض به این امر، اقدام به تحقیر سفیر ترکیه در تل‌آویو کرد، اما در نهایت مقامات اسرائیل وادار به عذرخواهی از آنکارا شدند. (Johnston, 2010)

### گسست یا سازش ظاهری

در حال حاضر شراکت بین تل‌آویو و آنکارا بسیار ضعیف است و به‌ویژه از لحاظ سیاسی ماهیت خود را از دست داده است. بر خلاف تل‌آویو، آنکارا، سوریه و عراق را به عنوان دشمنان بالقوه خود حساب نمی‌کند، بلکه آنها را شریک خود می‌داند. درباره‌ی ایران، ترکیه اراده‌ی خود برای از سرگیری شراکت پایدار را اعلام کرده است و خاطر نشان کرده که دو کشور از سال ۱۶۳۹ مرزهای با ثباتی داشته‌اند. ایران و ترکیه به دنبال مضاعف کردن حجم مبادلات تجاری خود و شراکت بلندمدت در زمینه‌ی انرژی هستند. میزان مبادلات تجاری بین ترکیه و ایران نیز قرار است تا سال ۲۰۱۱ به حدود ۲۰ میلیارد دلار برسد، در حالی که این میزان در سال ۲۰۰۸، ۷ میلیارد دلار بوده است. ترکیه خواهان تبدیل شدن به یکی از قطب‌های عمده‌ی توزیع گاز و نفت به اروپا است. ایران نیز خواهان صادرات نفت و گاز خود به اروپا از راه ترکیه می‌باشد. آنکارا و تهران متعهد شده‌اند برای مرتبط کردن شبکه‌های انرژی ترکیه و ایران مذاکراتی را انجام دهند که در این بین سوریه و عراق نیز سهیم خواهند بود. به این ترتیب، بهتر درک می‌شود که چرا دولت ترکیه با هرگونه حمله‌ی نظامی به ایران مخالفت می‌کند و پیشنهاد وساطت برای حل مشکلات با غرب را داده است و با رد تحریم‌ها از اصل دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای غیرنظامی دفاع می‌کند و پیشنهاد تبادل سوخت هسته‌ای در خاک خود را ارائه داده است. (اسکندری، ۱۳۸۹: ۱۸۲) سرانجام اینکه آنکارا دیگر برای

نزدیکی به اتحادیه‌ی اروپا یا مذاکره با واشنگتن نیازی به تل‌آویو ندارد و حتی اسرائیل نیز برای نزدیک شدن به ناتو نیازی به آنکارا ندارد. اسرائیل با ناتو توافق همکاری امضا کرده است. در سطح اقتصادی، تبادلات بین ترکیه و اسرائیل به شدت کاهش یافته است؛ به طوری که رقم آن در سال ۲۰۰۹ سه میلیارد دلار رسید و به این ترتیب، اسرائیل به چهارمین شریک تجاری ترکیه در خاورمیانه تبدیل شد. در حال حاضر که اولین شریک تجاری ترکیه در خاورمیانه ایران است. در حالی که در گذشته این مقام در اختیار اسرائیل بود. با این حال، این احتمال وجود دارد که آنکارا و تل‌آویو سرانجام به قطع رابطه با یکدیگر برسند، زیرا اعتماد بین این دو از بین رفته است و فقط برخی منافع مشترک باقی مانده است، برای نمونه رهبران عرب باید متقاعد نگه داشته شوند که اسرائیل و ترکیه در صورت مقتضی برای فشار بر روی آنها روابطشان را تحکیم خواهند بخشید. به نظر می‌رسد این دو دولت مصمم هستند هم‌چنان میانجی‌گری ترکیه برای مذاکره با حماس و سوریه را حفظ کنند. طی ماه‌های اخیر دولت اردوغان به حماس نزدیک شده و آن را نزدیکی ارزشی قلمداد کرده است. ترکیه با بی‌توجهی به نارضایتی مصر با نفوذ در غزه، خود را به عنوان مخاطب پایدار برای اسرائیل تحمیل می‌کند؛ اسرائیلی که می‌داند باید با حماس مذاکره کند. آنکارا هم‌چنین وجهه‌ی خود را نزد افکار عمومی عربی به‌ویژه نزد اخوان المسلمین تقویت می‌کند و به این ترتیب، شانس خود را برای رهبری مسلمانان میانه‌رو افزایش می‌دهد؛ امری که اسرائیلی‌ها با آن مخالف نیستند و ترجیح می‌دهند به جای دولت‌های عربی انعطاف‌ناپذیر، ترکیه را مخاطب خود ببینند، البته می‌دانند که در این بین قدرت عمل اردوغان محدود است، زیرا وی نمی‌تواند بیش از حد به ایران و حماس نزدیک گردد، بدون اینکه از غرب منقطع شده و شانس الحاقش به اتحادیه‌ی اروپا را از بین ببرد و باعث واکنش شدید نظامیان ترکیه شود، زیرا این اتفاقات باعث نابودی هشت سال پیروزی ارزشمند قدرت اسلامی حاکم بر ترکیه خواهد شد. برخی از اسرائیلی‌ها یادآور می‌شوند که روابط اسرائیل و ترکیه وضعیت مشابه دهه‌ی ۶۰ را دارد. برخی دیگر خاطر نشان می‌کنند که باید به هر طریق ممکن از تشکیل ائتلاف ضد غربی بین ترکیه، ایران و سوریه جلوگیری کرد. خوشبین‌ترین آنها امیدوارند که لائیک‌ها و طرفداران آتاتورک به قدرت

بازگردند، زیرا این امر به اسرائیل و ترکیه اجازه‌ی احیای روابطشان را خواهد داد. آنها بر اهمیت مبادلات اقتصادی بین اسرائیل و ترکیه تأکید می‌کنند و یادآور می‌شوند که دولت ترکیه به موفقیت‌های اقتصادی برای حمایت از اصلاحات اجتماعی‌اش نیازمند است. سرانجام اینکه ترک‌ها و اسرائیلی‌ها می‌دانند که در نهایت می‌توانند بر همکاری نظامی - صنعتی‌شان برای حفظ روابط حساب کنند. با وجود تنش‌های سیاسی، نظامیان ترکیه به همتایان اسرائیلی‌شان اعلام کرده‌اند که به نفعشان است در زمینه‌ی نوسازی ناوگان ترکیه مشارکت کنند با این حال، مناسب است که درباره‌ی گستردگی و تأثیرات این همکاری‌ها بیش از حد غلو نشود. ژنرال‌های اسرائیلی با تحویل تجهیزات حساس به ترکیه مخالفند که در این بین می‌توان از ماهواره‌های شناسایی برخی موشک‌های ضد موشک یا سیستم رهگیری راکت‌ها نام برد، زیرا نگران این هستند که مبادا این تجهیزات به دست افراد نااهل بیفتد. از سوی دیگر ژنرال‌های ترکیه به جز در زمینه‌ی هواپیماهای بدون سرنشین، دیگر به صنایع نظامی اسرائیل برای مجوز کردن خود نیازمند نیستند. در واقع، این شرکت اسرائیلی ابرونوتیک است که هواپیماهای بدون سرنشین خریداری شده از سوی ترکیه را راه‌اندازی می‌کند. در نتیجه اگر فرضیه ماه عسل جدید بین اسرائیل و ترکیه محتمل باشد، احتمال گسست قطعی روابط آنها نیز وجود دارد. همه چیز حاکی از این است که ترکیه و اسرائیل روابط حداقلی خود را حفظ خواهند کرد و محتوای آن به رفتار مقامات اسرائیل بستگی خواهد داشت. به این ترتیب، توپ در زمین تل‌آویو است و این اسرائیلی‌ها هستند که امروز خواهان ادامه‌ی روابط می‌باشند. ترک‌ها احتمال دارد به سادگی از اسرائیل عبور کنند؛ به این ترتیب لازم است که رهبران اسرائیل منافع مشترکشان با ترکیه را بازتعریف کنند، تا بتوانند روابطی پایدار با آنکارا داشته باشند. اسرائیل دیگر دستاویزی در اختیار ندارد و ترکیه تنها متحدش در خاورمیانه است.

#### اهداف اسرائیل از حمله به کشتی مرمه‌ی آبی

بعد از حادثه‌ی حمله به کشتی مرمه‌ی آبی که حاوی کمک‌های سازمان غیردولتی و آزادسازی غزه بود، کمتر کسی تردید دارد که تصویر ترکیه در جهان عرب به صورت

بی‌سابقه‌ای بهبود پیدا کرده است. حتی در سخنرانی اخیر سید حسن نصرالله در لبنان پرچم‌های ترکیه در کنار پرچم‌های فلسطین و حزب‌الله به وفور دیده می‌شد. امروز کمتر پایتخت عربی را می‌توان یافت که در آن مردم در حمایت از اقدام ترکیه شعار ندهند. اقدام رژیم صهیونیستی در حمله به کشتی حامل کمک‌های مردمی به غزه، باعث بزرگ‌ترین اختلاف و تنش در روابط این رژیم با ترکیه در ماه‌های اخیر شده و حتی خوش‌بین‌ترین تحلیل‌گران را به این نتیجه رسانیده که روابط دو طرف چشم‌انداز چندان روشنی ندارند. (محمد زاده ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۹۱)

هرچند ادعا می‌شود حمله به کشتی مرمه‌ی آبی بدون هماهنگی با مقامات مافوق بوده، گزارش‌ها و اخباری موجود حاکی از آن است که نیروهای نظامی اسرائیل با پیش‌بینی قبلی مقدمات حمله را آماده کرده و حتی نیروهای امدادی را هم با خود آورده بودند. ظاهراً دوربین‌های نصب‌شده در کشتی، برنامه‌ریزی اسرائیل برای مخفی نگهداشتن این اقدام را خشی کرد. (Aljazeera, 2010) در مورد اینکه چرا اسرائیل دست به چنین اقدامی زد، تحلیل‌های مختلفی وجود دارد، اما بدون تردید این اقدام را باید در پرتو تحولات اخیر در سیاست خارجی ترکیه و نیز روابط رو به گسترش آن با جمهوری اسلامی ایران تحلیل کرد. یکی از دلایل نزدیکی اسرائیل به ترکیه در دهه‌ی ۱۹۹۰ و انعقاد پیمان دفاعی-نظامی با این کشور در سال ۱۹۹۶، تلاش برای مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه بود. بر اساس تز آشنای بن‌گوریون، اسرائیل برای رهایی از محاصره‌ی اعراب باید به ائتلاف با کشورهای پیرامون جهان عرب نظیر ترکیه، ایران و اتیوپی روی آورد تا بتواند از روش آشنای گازانبری برای تحت فشار قرار دادن اعراب استفاده کند. ترکیه به‌دلیل نزدیکی جغرافیایی به ایران و احساس رقابت سنتی با آن و نیز نداشتن روابط نزدیک با اعراب از زمان آتاتورک، گزینه‌ی مناسبی برای این سیاست اسرائیل بود. گو اینکه ترک‌ها نیز در منطقه از هویت منحصر به‌فرد خود رنج می‌برند و در این حس با اسرائیل شریک بودند. عدم پذیرش ترکیه در اتحادیه‌ی اروپا در کنار مشکلات تاریخی آن با کردها، ارمنی‌ها، یونانی‌ها، ایرانی‌ها و اعراب، زمینه را برای نزدیکی آن به اسرائیل در دهه‌ی ۱۹۹۰ فراهم آورده بود. یکی از دلایل اصلی بروز و ظهور این وضعیت، پیگیری سیاست خارجی کمالیستی در ترکیه بود. با پیروزی قاطع اسلام‌گراها در ترکیه در سال ۲۰۰۲ زنگ خطر برای تل‌آویو به صدا



در آمد. نگرانی اصلی تل‌آویو این بود که دولت اسلام‌گرای جدید به رقیب اصلی اسرائیل در منطقه یعنی جمهوری اسلامی ایران نزدیک شود. به‌همین دلیل لابی طرفدار اسرائیل فعالیت گسترده‌ای را برای ایجاد تنش در روابط دو طرف آغاز نمود. در این میان کمالیست‌ها و پان‌ترکیست‌ها هم آگاهانه یا ناآگاهانه به تنش میان ایران و ترکیه دامن می‌زدند، تا حدی که در سند امنیت ملی ترکیه در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰، ایران و گروه پ. ک. ک بعنوان دو تهدید اصلی برای ثبات داخلی این کشور قید شده بود. با پیروزی حزب عدالت و توسعه، اندک اندک ترکیه از سیاست‌های کمالیستی در عرصه‌ی خارجی فاصله گرفته و شروع به تنش‌زدایی با همسایگان کرد. ابتدا یونان، سپس ایران، سوریه و در نهایت ارمنستان مشمول این سیاست شدند. با کاهش تنش و اختلاف میان ترکیه و همسایگان آن، اندک اندک نیاز ترک‌ها به یک متحد منطقه‌ای برای مقابله با تهدیدات کاهش یافت. هم‌زمان اعتماد ترک‌ها به اتحادیه‌ی اروپا و غرب نیز کمتر شد. اتحادیه‌ی اروپا پیش از آنکه دچار بحران‌های داخلی شده باشد و جاذبه‌ی گذشته خود را برای داوطلبان ورود به این اتحادیه تا حدی از دست بدهد، با عضویت کامل ترکیه در این اتحادیه مخالفت کرد و حتی آلمان و فرانسه پیشنهاد دادند ترکیه عضو ویژه‌ی این اتحادیه شود. حمله‌ی آمریکا به عراق و تقویت موقعیت کردها نیز تردیدهای ترکیه را نسبت به اهداف پنهانی آمریکا دو چندان کرد و یکی از نتایج عمده‌ی این تحولات کاهش نیاز راهبردی ترکیه به اسرائیل بود.

هم‌زمان با این تحولات، ترکیه در صدد نزدیکی به ایران برآمد که برای اسرائیل اهمیت ویژه‌ای داشت. زیرا به‌خوبی واقف بود که نزدیکی این دو بازیگر قدرتمند منطقه‌ای به یکدیگر پیامدهای منفی بر موقعیت اسرائیل در منطقه خواهد داشت. عدم همراهی آنکارا با سیاست‌های تل‌آویو در قبال ایران، اسباب نارضایتی اسرائیل را فراهم کرد. اما ورود ترکیه به موضوع هسته‌ای ایران آشکارا باعث خشم اسرائیل شد. رژیم صهیونیستی همواره ادعا می‌کند که برنامه‌ی هسته‌ای ایران تهدیدی برای کشورهای منطقه می‌باشد و امیدوار است از این طریق یک اختلاف منطقه‌ای علیه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران ایجاد کند. این سیاست اسرائیل همراه شده بود با تلاش واشنگتن برای ایجاد یک جبهه‌ی ضد ایرانی در جهان عرب. به زعم اسرائیلی‌ها ترکیه زمانی به موضوع هسته‌ای ایران وارد شد که احتمال شکل‌گیری یک گرایش ضد ایرانی در منطقه تقویت

شده بود. به خصوص تلاش ترکیه در صدور بیانیه‌ی تهران و فرو نشاندن فشارها، خوشایند تل‌آویو نبود و از این رو، رژیم صهیونیستی در صدد بود به نوعی نارضایتی خود را از این اقدام ترکیه نشان دهد و حمله به کشتی مرمه‌ی آبی در این چارچوب قابل تحلیل است. جالب توجه است که در همان روز نیروهای دریایی ترکیه در استان اسکندرون مورد حمله‌ی موشکی قرار گرفتند. هر چند ادعا شد پ.ک.ک عامل این حمله بوده، اما برخی معتقدند این گروه فاقد این نوع سلاح است و بعید نیست اسرائیل دست به این اقدام زده باشد. رژیم صهیونیستی قصد دارد با این اقدامات این پیام را به آنکارا بدهد که به شدت از نزدیکی ترکیه به ایران ناخرسند است و ترکیه باید بابت این امر تاوان بدهد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۹).

تحلیل اسرائیلی‌ها این است که ترکیه روز به روز از محور آمریکا - اسرائیل در منطقه فاصله گرفته و به طرز ماهرانه‌ای در حال نزدیک‌تر شدن به محور مقاومت است. اردوغان صراحتاً گفته است ترکیه علاوه بر دوستان بین‌المللی باید دوستان منطقه‌ای هم داشته باشد. بگذریم از اینکه بازی با کارت اسرائیل در داخل ترکیه نیز رأی‌آور است و می‌تواند به تقویت جایگاه اردوغان در آینده در انتخابات ریاست جمهوری کمک کند. جای تعجب ندارد نیروهای لائیک هم که در گذشته طرفدار نزدیکی به اسرائیل و داشتن روابط راهبردی با آن بودند، طی هفته‌های گذشته یک‌صدا اقدام اسرائیل را محکوم کردند.

### نتیجه‌گیری

در خصوص روابط دو کشور تا پایان جنگ سرد باید گفت که روابط ترکیه با اسرائیل تا اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ از نوعی دوگانگی برخوردار بوده است و با وجود اینکه ترکیه نخستین کشور مسلمانی بود که در سال ۱۹۴۹ موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخت، ولی تا پایان جنگ سرد چرخش زیادی را در سیاست خارجی‌اش می‌توان مشاهده کرد، به طوری که این کشور در مواردی روابط خود را با اعراب گسترش داده و در سیاست‌های منطقه‌ای و نیز مجامع جهانی علیه اسرائیل موضع‌گیری می‌کرد و گاهی نیز در راستای ائتلاف با غرب و در چارچوب راهبرد جهانی و منطقه‌ای غرب در صدد گسترش بیشتر روابط خود با اسرائیل

برآمده است. در واقع، در طول دوران جنگ سرد، هر چند که ترکیه و اسرائیل از متحدان منطقه‌ای آمریکا بودند، ولی واکنش مسلمانان خاورمیانه و ملاحظات اقتصادی باعث شد که روابط دو کشور در حد معمولی باقی بماند، ولی با پایان جنگ سرد که با تحولاتی از قبیل فروپاشی نظام کمونیسم، تأیید ضمنی موجودیت اسرائیل از سوی عرفات در ۱۹۸۸، آغاز جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱ و شروع گفتگوهای صلح مادرید بین اعراب و اسرائیل در ۱۹۹۱ همراه بود، شرایط برای برطرف ساختن رکود روابط تل‌آویو و آنکارا مناسب به نظر رسید و دو کشور در مسیر گسترش همکاری‌های اقتصادی و نظامی خود گام‌هایی برداشتند که نقطه‌ی عطف همکاری‌های اقتصادی و نظامی دو کشور انعقاد پیمان راهبردی امنیتی و نظامی در فوریه‌ی ۱۹۹۶ بود که باعث بر هم خوردن توازن قدرت در منطقه‌ی خاورمیانه گردید. مفاد مندرج در این پیمان برای ترکیه قائل به اهداف سیاسی - اقتصادی و برای اسرائیل قائل به اهداف سیاسی - امنیتی بوده است. از منفعی که اسرائیل در نتیجه‌ی اتحاد با ترکیه به دست می‌آورد، می‌توان به دوستی با کشوری مسلمان و کاهش فشارهای دینی کشورهای اسلامی، ایجاد بازارهای اقتصادی و کسب منافع اقتصادی در ترکیه و همسویی و همگامی با ترکیه جهت اشاعه‌ی نفوذ خود در مناطقی که ترکیه قصد نفوذ در آنجا را دارد، اشاره نمود و از منافع ترکیه نیز می‌توان به کاهش مشکلات اقتصادی آن کشور با کمک یهودیانی که در بازارهای بورس جهانی و مراکز بین‌المللی مالی نفوذ فوق‌العاده‌ای دارند و نیز به ارائه‌ی تجهیزات و تکنولوژی مدرن آمریکا به ترکیه که منوط به همکاری و نزدیکی ترکیه با اسرائیل می‌باشد، اشاره کرد. (اخوان منفرد، ۱۳۸۷: ۳۵) همان طور که اشاره شد، در دهه‌ی ۹۰ میلادی روابط بین ترکیه و رژیم صهیونیستی به اتحادی قوی مبدل گردید که بیشتر حول همکاری‌های امنیتی، نظامی و اقتصادی بود. اما پس از روی کار آمدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه به صحنه‌ی سیاست ترکیه، روند روابط مذکور نسبت به دو دهه‌ی اخیر تغییر مهمی داشته و آن اینکه، مسأله‌ی فلسطین در شکل‌دهی روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی نقشی اساسی یافته است. اولین نشانه تنش در روابط و ناخشنودی ترکیه از اسرائیل، پس از تجاوز این رژیم به نوار غزه در ژانویه سال ۲۰۰۹ در اجلاس جهانی داووس نمودار شد. در ادامه اقدام رژیم

صهیونیستی در حمله به کشتی حامل کمک‌های مردمی به غزه، باعث بزرگ‌ترین اختلاف و تنش در روابط این رژیم با ترکیه در ماه‌های اخیر گردیده و حتی خوشبین‌ترین تحلیلگران را به این نتیجه رسانید که روابط دو طرف چشم‌انداز چندان روشنی ندارد. با روی کار آمدن اردوغان به صحنه‌ی سیاست ترکیه، این کشور نقش بیشتری در منطقه‌ی خاورمیانه کسب نموده و قصد دارد که در این منطقه‌ی پر مناقشه، نقش یک میانجی صلح را ایفا کند. دولت وابسته به حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه موفق شده علی‌رغم بی‌میلی غرب، روابط خود با ایران را توسعه بخشیده و در عین حال در تلاش است تا روابط مستحکم‌تری نیز با تمامی کشورهای عرب منطقه برقرار کند. مقامات ترکیه می‌گویند که این امور بخشی از سیاست جدید آنها موسوم به «حداقل مشکل» است. اما با وجود این، به نظر نمی‌رسد مشکلات ترکیه و رژیم صهیونیستی به حداقل رسیده باشد. در واشنگتن برخی بر این باورند که تنش‌های پیش‌آمده در روابط ترکیه با اسرائیل، نشان از تغییر بزرگی در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه دارد. این تغییر از ریشه‌های این حزب در اسلام سیاسی و هم‌چنین الزامات اقتصادی این حزب ناشی می‌شود. اما «گنول تول» رئیس مرکز مطالعات ترکیه در مؤسسه‌ی خاورمیانه واشنگتن، با چنین نظری موافق نیست. وی تأکید کرده است که «اگر به ترکیه و سیاست خارجی آن دقت شود، روشن می‌شود که ترکیه در حال بهبود روابط خود با همسایگانش است. روابط ترکیه با اسرائیل نیز تا سال ۲۰۰۹ و حتی پس از آن خوب بوده است اما مسأله این است که اسرائیل در راه پیشبرد صلح کاری صورت نداده و همین امر موجب تنش شده است». (اسکندری، ۱۳۸۹: ۱۶۴) با وجود این، با تحولات اخیر این فرض بار دیگر تقویت می‌شود که عوامل محرک نزدیکی دو طرف به یکدیگر روز به روز در حال کم‌رنگ‌تر شدن هستند، هر چند این به معنای قطع رابطه یا خصومت میان دو طرف نیست. به احتمال بسیار زیاد، روابط دو طرف به شرایط و وضعیت دهه‌ی ۱۹۹۰ باز نخواهد گشت، زیرا نه در عرصه‌ی داخلی و نه در عرصه‌ی خارجی فعلاً علایمی مبنی بر این امر مشاهده نمی‌شود. ترکیه که زمانی در جهان عرب مغضوب و مهجور بود، امروز به یکی از مقصدهای اصلی توریست‌های عربی و سرمایه‌گذاران عرب تبدیل شده است. در حالی که ترکیه چندین دهه منت‌اروپایی‌ها

را کشید تا اینکه وارد اتحادیه‌ی اروپا شود، در طول چند سال گذشته به صورت مستمر جایگاه خود را در منطقه و جهان عرب تقویت کرده است. شاید اروپایی‌ها در قبال تغییر جهت سیاست خارجی ترکیه بی‌تقصیر نبوده‌اند و کاسه‌ی صبر آن را لبریز کردند. نظرسنجی‌ها هم نشان می‌دهد میزان طرفداری از پیوستن ترکیه به اتحادیه‌ی اروپا در میان افکار عمومی مرتب در حال کاهش است. بحران مالی یونان هم احتمالاً ترک‌ها را متقاعد کرد که ورود به اتحادیه‌ی اروپا تضمینی برای نداشتن بحران مالی و شرایط بد اقتصادی نیست. ارزیابی ترک‌ها این است که اگر در شرایط دهه‌ی ۱۹۹۰ ترکیه برای خروج از انزوا و مقابله با تهدیدات به اسرائیل احتیاج داشت و به آن امتیاز داد، اکنون شرایط عوض شده و ترکیه در موضع برتر قرار گرفته است؛ بنابراین، این بار اسرائیل باید امتیاز بدهد نه اینکه برای ترکیه پیش‌شرط تعیین کند. باید دید واکنش اسرائیل به اقدامات عملی ترکیه برای بازنگری در روابط دو طرف چه خواهد بود. احتمالاً لابی صهیونیستی، تلاش خواهد کرد لایحه‌ی قتل عام ارامنه را در صحن سنای آمریکا مطرح کند، لایحه‌ای که تصویب آن ترک‌ها را به شدت عصبانی خواهد کرد. اختلال در روابط ترکیه با ایران و اعراب اقدام دیگری است که لابی طرفدار اسرائیل آن را در دستور کار خود قرار خواهد داد.

## منابع

## فارسی

- ۱- اخوان منفرد، سیاوش (۱۳۸)، «اسرائیل در آسیای مرکزی»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۳۰-۲۹.
- ۲- اسکندری، مجید (۱۳۸۹)، «پیامدهای روابط ترکیه و غرب بر جمهوری اسلامی ایران»، مجله چشم انداز ایران، شماره ۶۲.
- ۳- اسکندری، مجید (۱۳۸۹)، «روند همگرایی ترکیه و بلوک غرب»، مجله سیاست خارجی، سال بیست و چهارم، شماره ۳.
- ۴- اسکندری، مجید (۱۳۸۸)، «تحولات داخلی ترکیه و اثر آن بر روابط ترکیه و غرب»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال ۲۳، شماره ۱۱ و ۱۲.
- ۵- انصاری، جواد (۱۳۸۵)، ترکیه در جستجوی نقشی تازه در منطقه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۶- آیدین، مصطفی (۱۳۸۶)، «نقش ترکیه در پیشگیری و مدیریت بحران‌های منطقه‌ای»، ترجمه: قاسم ملکی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هفتم، دوره سوم، شماره ۲۲.
- ۷- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۵)، ایران و رژیم صهیونیستی: از همکاری تا منازعه، تهران: دانشگاه امام صادق.
- ۸- حسینی، سیف‌علی (۱۳۸۶)، «تهدیدات ناشی از استراتژی ترکیه و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال دوم، دوره سوم، شماره ۷.
- ۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی «ایرنا» (۱۳۸۹)، «روزنامه فرانسوی از احتمال بروز بحران در روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی خبر داد». ۱۱ خرداد ۱۳۸۹.
- ۱۰- خطیب‌زاده، سعید (۱۳۸۶)، «ترکیه و اسرائیل: تلاش برای یافتن چارچوب جدید امنیتی-سیاسی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال شانزدهم، شماره ۲.
- ۱۱- دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت (۱۳۸۲) نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه: علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس.
- ۱۲- روشندل، جلیل (۱۳۸۶)، «پیمان امنیتی- نظامی ترکیه و اسرائیل: محتوا و پیامدها»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال پنجم، شماره ۲ و ۳.
- ۱۳- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۵) اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۴- قویدل، مهدی (۱۳۸۷)، «استراتژی بقای اسرائیل»، روزنامه همشهری، ۱۴ آبان ماه.
- ۱۵- کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۸۳)، زنجیره تنازعی در سیاست و روابط بین‌الملل، تهران: نشر قومس.
- ۱۶- محمدزاده ابراهیمی، فرزاد (۱۳۸۹)، «واکنش‌های حمله به ناوگان آزادی»، مجله چشم انداز ایران، شماره ۶۲.
- ۱۷- ملکوئه، راما و راثو، ناراسیمها (۱۳۷۸)، روابط بین‌المللی، ترجمه: علی صلح جو، تهران: چاپ و نشر بنیاد.
- ۱۸- ملکی، محمدرضا (۱۳۸۶)، «روابط ترکیه و اسرائیل و آثار آن در آسیای مرکزی و قفقاز»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هفتم، دوره سوم، شماره ۲۴.
- ۱۹- موسوی بجنوردی، سید محمود (۱۳۸۵)، «روابط ترکیه و اسرائیل؛ زاینده مخاطرات منطقه‌ای»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال پنجم، شماره ۲ و ۳.
- ۲۰- میرطاهر، سیدرضا (۱۳۸۷)، «اتحاد استراتژیک ترکیه و اسرائیل»، روزنامه اطلاعات، ۲۹ بهمن.

- ۲۱- نه‌ازی، غلامحسین (۱۳۸۷)، بحران آب در خاورمیانه، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- ۲۲- هالستی، کی.جی (۱۳۸۴)، مبانی تحلیل سیاست بین الملل، ترجمه: بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، تهران: وزارت امور خارجه، موسسه‌ی چاپ و انتشارات.
- ۲۳- یعقوبی، علی (۱۳۸۷)، تعامل ایران و ترکیه در دریای خزر: گزیده تحولات جهان، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.

### لاتین

- 24- Bulent, Aras. ( 2007 ) " Turkish – Israele – Iranian Relation in the nineties : Impact on the middle East ", www, mepc.org/ Journal/ 0006 – aras. Ntm.
- 25- Cornell, Erik. ( 2008 ) Turkey in the 21<sup>st</sup> century, curzon press,
- 26- " Deadly Israeli raid on aid fleet". (2010) Aljazeera.Net.June, Retrieved from, <http://english.aljazeera.net/news/middle east/>.
- 27- Eisenstaolt, Michael. ( 2006 ) " Turkish – Israel Military cooperation : An assessment ", policy watch, No. 262. June.
- 28- Free encyclopedia, (2010) " Gaza flotilla raid". Wikipedia.Retrieved from, [http://english. Wikipedia.org/wiki/Gaza\\_flotilla\\_raid](http://english. Wikipedia.org/wiki/Gaza_flotilla_raid), this page was last modified on 20 june.
- 29- Fuller, Graham. ( 2007 ) Turkey s new geopolitics : from the balkans to western china, west view press,
- 30- Hill, Norman. ( 2008 ) Israel and Turkey look to Extend their Influence into central Asis, Jane s Intelligence Review, vol. 13, No.8 August,
- 31- Johnston Cynthia, (2010) " Israel flotilla action Criticized by friends and foes". Reuters.31 May, Retrieved from, <http://www.reuters.com/article/>
- 32- Libert, Robert. ( 2008 ) " Israeli – Turkish Economic relations ", www.Arabicews.com/ansub/Daily/pay.p.36
- 33- Libert, Robert. ( 2007 ) " USA- Israeli relation after 50 years ", Israel affair, vol .5, NO.7, Autumn, p.29
- 34-Ofra,Bengio & Ozcan, Gencet. ( 2008 ) " changing relation Turkey – Israel ", Journal of International Affairs, vol. V, No. 1 (march – may)
- 35- Pipes, Daniel. ( 2006 ) "A New Axis : the Emerging Turkish – Israeli Entente ", National interest,
- 36- Ruseckas, Laurent. ( 2007 ) " Turkey and Eurasia : opportunities and Risks in the caspian pipline Derby ", Journal of International affairs, vol. 24,No. 1 ( septembr ),
- 37- Tarock, Adam. ( 2008 ) " Iran and Russia in strategic alliance ", third world Quarterly, vol. 18,No.2. June.
- 38- Teibel Amy. (2010) " Israel Says it Will ease Gaza Land blockade". Associated press. Retrieved from, <http://news.yahoo.com/s/ap/>
- 39- Veliew, Anar. ( 2007 ) " the Israel – Turkey – Azerbaijan triangel : peresent and future ", www.ca.org/Journal/engo2-2007/08.Veliew.Shtml.